

بررسی تطبیقی سازوکارهای حمایت مالی دولت از نظام آموزش عالی در کشورهای منتخب (۲)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۱۱/۱۷

شماره مسلسل: ۱۹۶۱۴

کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

بررسی تطبیقی سازوکارهای حمایت مالی دولت از نظام آموزش عالی
در کشورهای منتخب (۲)

نام دفتر:

مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

تهیه و تدوین کنندگان:

وحید مهربانی (عضو هیات علمی دانشگاه تهران)، مرتضی فتحی شهری (عضو هیات
علمی دانشگاه علوم و فنون فارابی)، عطیه درویشوند، رضا قنبری، فاطمه رستمی

ناظران علمی:

موسی بیات، محمد سعید آقا محمد حسین تجریشی (دفتر مطالعات بخش عمومی)

مدیر مطالعه:

حسین نصیری

گرافیک و صفحه آرایی:

سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:

زهره عطاردی

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۲/۰۵/۳۰

واژه‌های کلیدی:

۱. اصل سی ام

۲. تأمین مالی

۳. آموزش عالی

۴. دانشگاه

۵. یارانه

۶. شهریه

۷. روسیه، چین، ترکیه و عربستان



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۶
۱. مقدمه.....	۸
۲. روش نمونه.....	۸
۳. بررسی کشورهای منتخب.....	۹
۳-۱. ترکیه.....	۹
۳-۲. عربستان سعودی.....	۱۲
۳-۳. روسیه.....	۱۵
۳-۴. چین.....	۱۹
۴. جمع بندی.....	۲۴
منابع و مأخذ.....	۲۶

فهرست جداول

جدول ۱. سهم مخارج دولتی، خصوصی و بین‌المللی مؤسسات آموزش عالی با توجه به منبع تأمین مالی در ترکیه.....	۱۱
جدول ۲. سیر مقررات دولت برای توسعه و حمایت مالی از آموزش عالی خصوصی.....	۱۳
جدول ۳. جایگاه کشورهای نمونه از جنبه خروجی‌های نظام علم و فناوری.....	۲۵

فهرست نمودارها

نمودار ۱. مخارج آموزش عالی ترکیه با توجه به منبع تأمین مالی (درصدی از GDP).....	۱۰
نمودار ۲. سهم مخارج آموزشی دولت به‌کل مخارج دولت در ترکیه (درصد).....	۱۱
نمودار ۳. روند تغییرات تعداد دانشگاه‌ها در روسیه.....	۱۵
نمودار ۴. مخارج آموزش عالی در چند کشور به‌صورت درصد از تولید ناخالص داخلی (۲۰۱۹).....	۱۶
نمودار ۵. مخارج آموزشی دولت چین به‌صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی.....	۲۱
نمودار ۶. سهم مخارج آموزشی دولت و خانوار در چین.....	۲۱



بررسی تطبیقی سازوکارهای حمایت مالی دولت از نظام آموزش عالی در کشورهای منتخب (۲)

چکیده

طبق اصل سی‌ام قانون اساسی، دولت موظف به گسترش آموزش عالی تا سرحد خودکفایی شده است. در این بین، منابع مالی به‌مثابه ابزاری در دست دولت در حمایت از آموزش عالی و گسترش آن نقش تعیین‌کننده دارد. بررسی نقش دولت در تأمین مالی آموزش عالی در نمونه‌های از کشورهای در حال توسعه موضوع محوری گزارش حاضر است که در این خصوص می‌تواند یافته‌هایی برای بهبود وضعیت تأمین مالی دولتی آموزش عالی در ایران داشته باشد. به‌منظور شناسایی جوانب موضوع از زوایای مختلف، چهار کشور ترکیه، عربستان، روسیه و چین انتخاب شده‌اند^۱ که دارای ویژگی‌های متمایزی هستند و از جنبه‌های اشتراکاتی با ایران دارند. آنچه از مطالعه نظام آموزش عالی این کشورها به‌دست می‌آید حکایت از این دارد که در مجموع دولت باز یگر اصلی در تأمین مالی آموزش عالی است؛ به‌طوری که سهم دولت در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است. با وجود این، در برخی کشورها به تبعیت از روندهای مشاهده شده در جهان صنعتی در دو دهه اخیر از سهم دولت کاسته شده و به منابع خصوصی و بین‌المللی گرایش پیدا شده است (عمدتاً ترکیه و چین)، اما چنین روندی در کشورهای تولیدکننده منابع نفت و گاز که عمده درآمد دولت از صادرات آنها حاصل می‌شود کمتر به چشم می‌خورد (روسیه و عربستان). در مجموع، سیاست‌های دولت در این گروه از کشورها متفرق‌تر از کشورهای توسعه‌یافته است و رویکردهای بسیار متفاوتی را در آنها شاهد هستیم.

خلاصه مدیریتی

و سیاست‌های دولت در این زمینه را به‌طور خاص در نمونه‌ای از کشورهای در حال توسعه بررسی کرد و به رهنمودهایی دست یافت.

یافته‌های کلیدی

چهار کشور ترکیه، عربستان، روسیه و چین نمونه‌های مورد استفاده در این مطالعه را تشکیل می‌دهند.

■ در ترکیه، دولت بودجه مؤسسات آموزش عالی دولتی را تأمین می‌کند، اما نحوه تعیین بودجه بیشتر بر اساس شیوه افزایشی است که بر اساس آن بودجه بر مبنای هزینه‌های مؤسسات در سال تحصیلی قبل تعیین می‌شود. علاوه بر اعتبارات دولتی، دانشگاه‌ها از محل دریافت شهریه، انتشارات و فروش آنها، دارایی‌های منقول

بیان مسئله

در طول زمان که تقاضاهای نوظهور از دولت‌ها ایجاد می‌شود، تأمین مالی آموزش عالی به شیوه‌های سنتی که دولت به ساده‌ترین شکل به مؤسسات آموزش عالی کمک مالی مستقیم می‌کرد، دیگر میسر نیست. از این‌رو، دولت‌ها به تکاپو افتاده‌اند که همراه با حفظ یا بهبود کیفیت خروجی‌های آموزش عالی، تا حد امکان بار مالی آن را از دوش خود کم کرده و بازیگران دیگری را درگیر این امر کنند. تقریباً این روند در بیشتر کشورهای دنیا مشاهده شده است، اما به‌نظر می‌رسد در دنیای در حال توسعه تفرق بیشتری در این زمینه وجود دارد. از آنجا که ساختار آموزش عالی و عملکرد دولت‌ها در کشورهای با سطح توسعه‌یافتگی متفاوت، یکسان نیست، باید نقش

۱. روسیه و چین در متون اقتصادی بیشتر به‌مثابه کشورهای در حال توسعه معرفی شده‌اند. در گزارش توسعه انسانی ۲۰۲۲ روسیه و چین به ترتیب در جایگاه ۵۲ و ۷۹ قرار داشتند.

میزان بودجه به طور مستقیم به تعداد دانشجویان شهریه پرداز بستگی دارد. تحول در قوانین بودجه و آموزش، چرخش مهمی را در ساختار تأمین مالی دانشگاه ایجاد کرد و به عنوان نقطه اتکایی برای گذار از تخصیص بودجه مبتنی بر هزینه به تخصیص مبتنی بر عملکرد ایفای نقش کرد. اساساً، این رویکرد جدید دیگر به دانشگاه به مثابه ترکیب ثابتی از دارایی‌ها که باید به صورت ایستا تأمین مالی شود، نمی‌نگرد. برعکس، تأمین مالی دولتی اساساً هدف حمایت و تقویت کیفیت آموزش دانشجویان را دنبال می‌کند.

■ چین نیز به تبع انقلاب اقتصادی در اوایل دهه ۱۹۸۰، تغییرات گسترده‌ای را در آموزش عالی و تأمین مالی آن ایجاد کرد؛ به طوری که در همان موقع رتبه بالایی را در جهان از لحاظ تخصیص بخشی از تولید ناخالص به این بخش به دست آورد.

دولت چین برنامه‌های بودجه‌ای ویژه‌ای را آغاز کرد که هدف آن حمایت مالی از مؤسسات آموزش عالی برگزیده بر مبنای رقابت بود و در نتیجه اصلاحات و نوآوری را تشویق می‌کرد. دولت به منظور ایجاد یک نظام تأمین مالی پایدار برای آموزش عالی، اقداماتی انجام داده است که شامل تأمین بودجه از طریق بنیادها و سازمان‌های دولتی، جذب سرمایه خارجی، تأمین مالی از طریق بانک‌های تجاری و حساب‌های پس‌انداز بدون بهره می‌شود. دولت چین علاوه بر اینکه اصلی‌ترین منبع تأمین مالی آموزش عالی است، از طریق بانک‌های تجاری، وام‌ها و کمک‌های مالی مختلفی را در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد. این وام‌ها و کمک‌های مالی معمولاً به صورت هزینه‌های تحصیلی و هزینه‌های زندگی برای دانشجویان در نظر گرفته می‌شوند. دست‌آخر اینکه دولت با اتخاذ سیاست‌های باز در تجارت، زمینه را برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی به آموزش عالی چین تسهیل کرده است تا از این طریق هم بار مالی خود را بکاهد و هم جریان جدیدی از منابع به سوی آموزش عالی روانه شود.

پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

در مجموع، کمک‌های مستقیم دولت‌ها به آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه بسیار مشهود است، اما روندها از دنباله‌روی این گروه کشورها از جوامع توسعه یافته حکایت دارد. در کل، برخی اقدامات و سیاست‌ها در این گروه از کشورها برجسته است که می‌تواند رهنمودهایی برای ایران نیز باشد:

■ گرایش دولت‌ها به کاهش سهم خود در تأمین مالی آموزش عالی،

■ ایجاد جذابیت بیشتر برای ورود بخش خصوصی به عرصه تأمین

و غیرمنقول بخش دیگری از منابع مالی خود را تأمین می‌کنند. دانشگاه‌های غیرانتفاعی نیز توسط بنیان‌گذاران آنها تأمین مالی می‌شوند. شهریه‌های دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی در ترکیه متفاوت است. در دانشگاه‌های دولتی میزان شهریه توسط شورای وزیران و با توجه به نوع و طول دوره آموزشی در رشته‌های مختلف تعیین می‌شود، اما شهریه دانشگاه‌های غیردولتی توسط هیئت امنای دانشگاه‌ها تعیین می‌شود. یک ویژگی قابل توجه در ترکیه این است که میزان مخارج آموزش عالی به صورت نسبی از تولید ناخالص داخلی در دو دهه گذشته افزایش یافته است، اما بخش عمده این افزایش از طریق بخش خصوصی انجام شده است. ریشه این پدیده را باید در سیاست‌های حزب عدالت و توسعه جستجو کرد که بر اساس آن گسترش بخش خصوصی و ایجاد سازوکاری برای افزایش رقابت در همه بخش‌های اقتصاد هدف قرار گرفته است.

■ عربستان سعودی با اتکا به درآمد سرشار از نفت و... نمونه‌ای بسیار برجسته در بین کشورهای مورد بررسی است؛ زیرا یکی از سریع‌ترین نظام‌های آموزش عالی را از نظر رشد در خاورمیانه دارد. در این کشور، بیشتر دانشگاه‌ها دولتی هستند و تحصیل در مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی به صورت کامل رایگان است. علاوه بر این، دولت به همه دانشجویان عادی و دانشجویان متقاضی تحصیل در خارج، در طول دوره تحصیل حقوق ماهیانه پرداخت می‌کند. دولت عربستان به دلیل حمایت مالی زیاد از دانشگاه‌ها کنترل قوی بر اداره آنها دارد، هر چند در دهه اخیر با افزایش تقاضا برای آموزش عالی، دولت درصد اعطای مجوز ورود بخش خصوصی به این عرصه است. در همین راستا، موقوفات و کمک‌های خیرخواهانه به آموزش عالی پدیده‌ای است که اخیراً رشد زیادی داشته است.

■ روسیه که دوران گذار اقتصادی را پشت سر می‌گذارد، کشور دیگری است که سیاست‌های هدفمندی را در نظام مالی آموزش عالی اجرا کرده و تحولات شگرفی را به‌ویژه در دو دهه اخیر تجربه کرده است. محور اصلی این سیاست‌ها، تجاری‌سازی و تقویت رقابت‌پذیری در آموزش عالی است. برای این منظور، بودجه فدرال منبع اصلی تأمین مالی دانشگاه‌ها را تشکیل می‌دهد. اقدام بسیار مهم دولت روسیه در این زمینه این است که تخصیص بودجه به مؤسسات آموزش عالی به طور مستقیم به نتایج فعالیت آنها بستگی دارد و برای این منظور، نظامی برای نظارت بر اثربخشی مؤسسات آموزش عالی (بر اساس شاخص‌های معین) مستقر شده است. به علاوه، منابع تکمیلی تأمین مالی نیز وجود دارد که بیشتر آنها از درآمد حاصل از تحصیل دانشجویان تشکیل می‌شود. بنابراین،



- حمایت مالی مستقیم دولت از دانشجویان بومی برای تحصیل در خارج و بازگشت آنها به کشور،
- برقراری ارتباط مشخص بین بودجه دانشگاه‌ها و عملکرد آموزشی و پژوهشی آنها (حراکت به سوی بودجه‌بندی مبتنی بر عملکرد در آموزش عالی).

- مالی آموزش عالی،
- نگاه به خارج و زمینه‌سازی برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی (اجرای سیاست در بدهی‌های باز در آموزش عالی)،
- مشارکت بیشتر خانواده‌ها برای جایگزینی با سهم دولت،
- تسهیل پذیرش دانشجویان خارجی به منظور جذب منابع بین‌المللی،

۱. مقدمه

بی‌تردید موضوع تأمین مالی از مهم‌ترین و فراگیرترین مباحث آموزش عالی به‌ویژه در چهار دهه گذشته در سراسر جهان بوده است. از آنجا که به‌طور سنتی و تاریخی دولت‌ها عهده‌دار اصلی منابع مالی مورد نیاز دانشگاه‌ها بوده‌اند، تحولات اقتصادی و سیاسی رخ داده در دهه‌های اخیر دولت‌ها را در موقعیتی قرار داد که ناگزیر از تغییرات اساسی در نگرش‌ها و خط‌مشی‌های مرتبط با تأمین مالی آموزش عالی شدند. با توجه به اینکه واکنش دولت‌ها در این عرصه وابستگی زیادی به مراحل توسعه‌یافتگی کشورها دارد و هدف این گزارش شناسایی تجارب سیاستی و روندهای کشورهای است، نمی‌توان همه کشورهای مورد مطالعه را در یک قالب بررسی و مقایسه کرد. از این رو، در این گزارش روی کشورهای در حال توسعه تمرکز می‌شود تا مبنای مشترکی برای مطالعه آنها وجود داشته باشد. با این وصف، این گزارش به دنبال پاسخگویی به این مسئله محوری است که دولت‌های کشورهای در حال توسعه چه سیاست‌های عمده‌ای را برای حمایت مالی از آموزش عالی اتخاذ کرده‌اند؟

۲. روش نمونه

بررسی موضوع تأمین مالی آموزش عالی توسط دولت بیفزاید. عربستان یک کشور نفت‌خیز است که رشد و سرمایه‌گذاری قابل توجهی در آموزش عالی را تجربه کرده است. از این رو، بررسی سیاست‌های دولت این کشور حاوی اطلاعات ارزشمندی خواهد بود. همچنین عربستان به‌عنوان کشوری با حاکمیت قوانین اسلامی و نظام حکمرانی غیر دموکراتیک شناخته می‌شود که این کشور را از سایر کشورهای نمونه متمایز می‌سازد. روسیه و چین یک ویژگی مشترک و حائز اهمیت دارند که بررسی تجربه آنها را برای ما بسیار مهم می‌سازد و آن حرکت از نظام اقتصادی متمرکز به سمت نظام اقتصادی مبتنی بر بازار است، هر چند روسیه به‌ناگزیر و به‌دنبال فروپاشی نظام سوسیالیستی شوروی سابق در این گذار قرار گرفت، اما چین براساس یک برنامه‌ریزی اقتصادی منسجم پا در این راه گذاشت. به‌علاوه، چین دومین اقتصاد جهان از نظر حجم تولید است و این ویژگی بُعد دیگری از اهمیت انتخاب این کشور خواهد بود. کندوکاو در زمینه سیاست‌های دولت در این مسیر گذار نکات آموزنده بسیاری برای کشورمان خواهد داشت. در مجموع، این نمونه ۲۱ درصد جمعیت و ۲۲ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل می‌دهد [۱].

مطالعه تطبیقی ایجاب می‌کند که بررسی اجزای نمونه بر اساس محور و مسأله مشترک انجام شود. در این راستا، نحوه تحلیل مسأله این گونه است که با بررسی کتابخانه‌ای پیشینه آموزش عالی در هر کشور، روند تحولات با محوریت موضوع تأمین مالی و نقش دولت در این زمینه بررسی می‌شود. بررسی تجارب کشورهای در حال توسعه که عمدتاً نزدیکی جغرافیایی و مناسبات اقتصادی نیز با ایران دارند، می‌تواند بسیار راهگشا باشد. نمونه این گروه از کشورها عبارت است از: ترکیه، عربستان، روسیه، چین. مبنای انتخاب نمونه این است که کشورهای مذکور دارای نظام حکمرانی متفاوت در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و آموزش عالی هستند. با دقت در ساختارهای این کشورها درمی‌یابیم که مبنای انتخاب نمونه در مورد هر چهار کشور صادق است. همچنین، دلیل دیگر انتخاب کشورها، سرمایه‌گذاری قابل توجهی بوده است که در آموزش عالی داشته‌اند. به‌علاوه، مناسبات اقتصادی و سیاسی با ایران مبنای دیگر انتخاب کشورهای نمونه است. بنابراین، سایر کشورهای منطقه که واجد شرایط مدنظر نیستند برای نمونه انتخاب نشده‌اند. ترکیه به‌دلیل قربات‌های جمعیتی، اقتصادی و جغرافیایی با ایران و نظام سیاسی دموکراتیک پارلمانی انتخاب شده است. همچنین رقابت منطقه‌ای این کشور با ایران در عرصه آموزش عالی می‌تواند بر اهمیت

۳. بررسی کشورهای منتخب



در این بخش، نظام آموزش عالی چهار کشور ترکیه، عربستان، روسیه و چین، شیوه تامین مالی آنها و مهمترین سیاستهای دولت در این زمینه بررسی خواهد شد.



۳-۱. ترکیه

تأسیس نخستین مؤسسات آموزش عالی جدید در ترکیه در جریان اصلاحات عثمانی تحت تأثیر روابط با اروپا آغاز شد. پس از تشکیل جمهوری ترکیه، این کشور نیاز به تأسیس مراکز آموزش عالی جدید در جهت مدرن سازی و غربی سازی جامعه داشت. دارالفنون پس از تأسیس جمهوری در سال ۱۹۳۳ سازماندهی شد و به دانشگاه استانبول تغییر نام داد که نخستین دانشگاه ترکیه است. سیاست آموزشی آتاتورک مبتنی بر تمرکززدایی از آموزش عالی و تأسیس دانشگاه در نقاط مختلف کشور بود. پس از پایان جنگ جهانی دوم، خروج استادان آلمانی از ترکیه باعث رکود تحقیقات دانشگاهی شد. همچنین ایدئولوژی دولتی و اصلاحات سکولار، ترکیب الگوی دانشگاهی انگلیسی-آمریکایی و اروپایی را مبنای آموزش عالی مدرن در ترکیه قرار داد. این الگو در طول چهار دهه بین سالهای ۱۹۵۱ تا ۱۹۸۱ توسعه یافت [۲].

در قرن بیستم تأسیس دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در شهرهای مختلف ترکیه گسترش یافت، به طوری که در سال ۱۹۹۲ با تأسیس ۲۵ دانشگاه دولتی و خصوصی جدید تعداد دانشگاههای ترکیه به ۵۶ واحد رسید. نظام آموزش عالی ترکیه تا سال ۲۰۰۹ بالغ بر ۱۳۲ دانشگاه شامل ۹۴ دانشگاه دولتی و ۳۸ دانشگاه خصوصی داشته است. در این فضا، تأسیس دانشگاههای خصوصی براساس قانون، مشروط به رعایت استانداردهای آموزشی در سطح دانشگاههای دولتی است [۳].

نظام آموزش عالی در ترکیه توسط شورای آموزش عالی - که در زبان ترکی به آن یوک (YOK) گفته می شود - اداره می گردد [۴]. این شورا متشکل از اعضای مختلفی است که هفت عضو آن به نمایندگی از دولت، دو عضو به نمایندگی از وزارت آموزش و پرورش ملی و یک عضو به نمایندگی از کارکنان حضور دارند. طی اصلاحات انجام شده، همه دانشکدهها، تربیت معلمها و دبیرستانهای حرفه‌ای ذیل نظام دانشگاهی به دو شکل دانشگاهها و دانشکدههای جدید ادغام شدند [۵]. یکی از کارکردهای یوک حفاظت از نظام آموزش عالی در برابر مداخلات سیاسی دولت‌ها و حمایت از

استقلال دانشگاههای ترکیه بوده است. یوک شهریه را یکی از منابع مالی دانشگاههای دولتی قرار داد و شرایط تأسیس مؤسسات عالی غیرانتفاعی و خصوصی را مشخص کرد. بنابراین، رقابت سالم بین دانشگاههای دولتی و خصوصی منجر به رشد رشتههای دانشگاهی ترکیه در سالهای اخیر شده است. در مجموع، تا سال ۲۰۱۹ حدود ۱۸۳ دانشگاه و دانشکده در ترکیه با ۴۷۶۴۲۰۷ دانشجو فعالیت داشته است [۲].

۳-۱-۱. تأمین مالی نظام آموزش عالی ترکیه

بودجه مؤسسات آموزش عالی دولتی از سوی دولت تأمین می شود و این بودجه بر مبنای هزینههای مؤسسات در سال تحصیلی ماقبل تعیین می شود. بخش دیگری از درآمد این مؤسسات از طریق دریافت شهریهها، انتشارات و فروش آنها، داراییهای منقول و غیر منقول و سرمایههای آنها تأمین می شود. دانشگاههای غیرانتفاعی نیز توسط بنیان گذاران آنها تأمین مالی می شوند [۶]. شهریه دانشگاههای دولتی و غیر دولتی در ترکیه متفاوت است. در دانشگاههای دولتی میزان شهریههای دریافتی از سوی شورای وزیران و با توجه به نوع و طول دوره آموزشی در رشتههای مختلف تعیین می شود. اما شهریه دانشگاههای غیر دولتی توسط هیئت امنای دانشگاهها تعیین می شود. در هر دو نوع دانشگاه اعم از دولتی و غیر دولتی درصد معینی از دانشجویان کمک هزینه تحصیلی دریافت می کنند که این ممکن است به صورت کامل یا جزئی باشد. در ترکیه یک نظام هماهنگ دولتی جهت پرداخت وام یا کمک هزینه تحصیلی برای دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری وجود دارد که به شهروندان ترکیه‌ای اعطا می شود. ضمن اینکه پاداشهایی در قالب بورسیه نیز به دانشجویان ارائه می شود [۶].

علاوه بر اعتباراتی که دولت به آموزش عالی اختصاص می دهد، اعتباراتی در قالب تحقیق و توسعه از طریق شورای پژوهشی علم و فناوری ترکیه که یک سازمان ملی برای توسعه سیاستهای علم، فناوری و نوآوری به منظور حمایت و هدایت پژوهشها و اجرای نقش در افزایش فرهنگ علم و فناوری در این کشور مشغول به فعالیت است، تخصیص می یابد. به این ترتیب، برنامه ریزیهای شورای پژوهشی به همراه سایر نهادهای مرتبط با سیاست علمی ترکیه توانست از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳ رشد ملایم و ثابتی را در بودجه تحقیق و توسعه نسبت به تولید ناخالص داخلی ارائه دهد. در حالی که در سال ۲۰۰۱ بودجه تحقیق و توسعه ۰/۵۴ درصد از



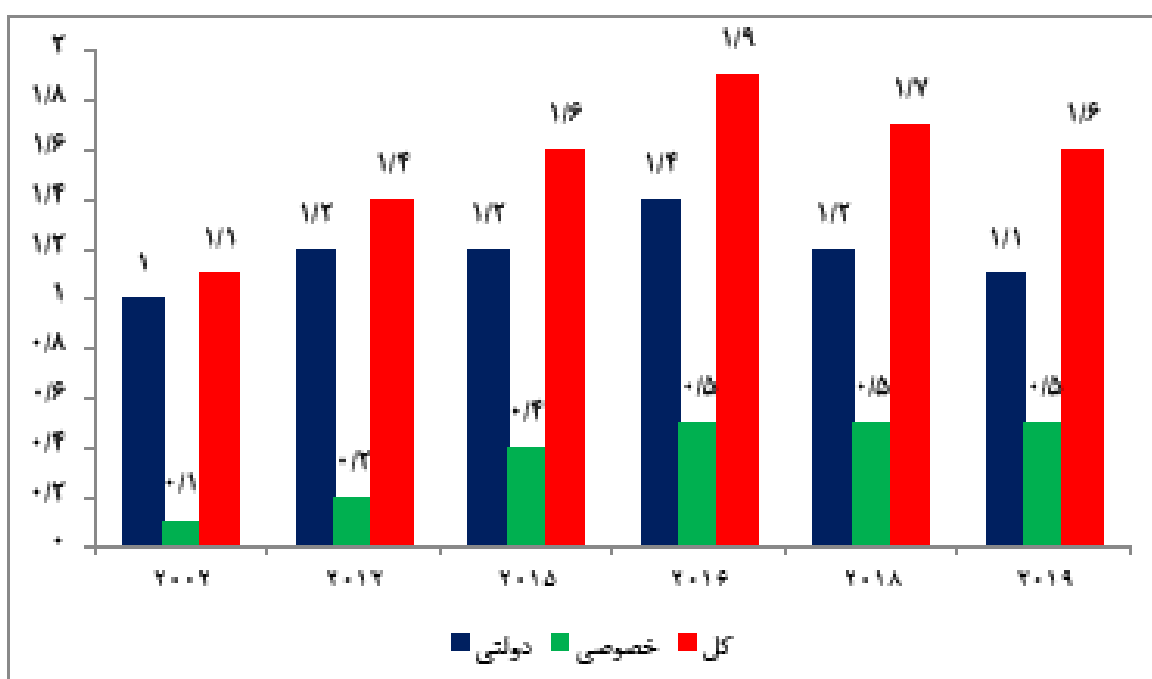
است که دانشگاه‌ها می‌توانند برای تأمین مالی مخارج خود از منابع مختلفی به‌ویژه بخش خصوصی استفاده کنند و در این زمینه هم تا حدودی پیشرفت داشته‌اند، زیرا بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ سهم دولت افزایش بسیار کمی داشته، اما سهم بخش خصوصی پنج برابر شده که این موضوع نشان از سیاست‌های دولت ترکیه به‌منظور بسترسازی برای فعالیت بخش خصوصی است.

تولید ناخالص ملی بود؛ این رقم در سال ۲۰۲۰ در حدود یک درصد (۱/۰۹ درصد) رسید [۷].

۱-۲-۳. سهم مخارج آموزش عالی از ثروت ملی

نمودار ۱ بیان‌گر چند نکته مهم است. اولاً، میزان هزینه‌های آموزش عالی در طول زمان به‌صورت نسبی از تولید ناخالص داخلی افزایش یافته است. ثانیاً، دولت بسیار بیشتر از بخش خصوصی در این عرصه هزینه می‌کند. ثالثاً، نکته حائز اهمیت این

نمودار ۱. مخارج آموزش عالی ترکیه با توجه به منبع تأمین مالی (درصدی از GDP)



مأخذ: [۸]، [۹].

۱-۲-۳. سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در آموزش عالی در اوایل قرن بیست و یکم، بخش اعظم هزینه‌های مؤسسات آموزش عالی از طرف دولت ترکیه تأمین مالی می‌شد، به طوری که در حدود ۹۰ درصد منابع مالی آموزش عالی توسط دولت و ۱۰ درصد باقی‌مانده به‌وسیله خانوارها تأمین می‌شد. بنابراین، هیچ سرمایه‌گذاری بین‌المللی وجود نداشت. اما راهبرد اصلی ترکیه در اقتصاد کلان برای دستیابی به رشد اقتصادی بالا، گسترش بخش خصوصی و ایجاد سازوکار برای رقابت بیشتر بوده است [۱۱]. بر همین اساس، به‌مرور زمان سیاست‌های در پیش گرفته شده دولت بر ورود بخش خصوصی به امور مختلف از جمله تأمین مالی

به‌دنبال برخی اصلاحات قانون در ترکیه، راهبرد اصلی حزب حاکم ترکیه (حزب عدالت و توسعه) گسترش بخش خصوصی و ایجاد سازوکار برای افزایش رقابت در همه بخش‌هاست. لذا این امر سبب کاهش مداخله دولت در فعالیت‌های مختلف و کاهش بار مالی بنگاه‌های اقتصادی دولتی در بودجه ملی شد [۱۰]. به‌عبارت‌دیگر، دولت حاکم (حزب عدالت و توسعه) با اتخاذ سیاست‌هایی در راستای اهداف آرمانی خود از جمله افزایش توان رقابتی بین‌المللی و ایجاد فرصت‌های شغلی و ارائه خدمات عمومی با کیفیت بالا، به‌دنبال حفظ و افزایش توان رقابتی نظام آموزش عالی به‌عنوان کشوری در حال توسعه بوده است.

کاهش قابل توجه سهم دولت در تأمین مالی آموزش عالی هستیم و به موازات آن نقش خانوارها و سایر نهادهای خصوصی (خیران، سازمان‌ها، شرکت‌ها و ...) پررنگ‌تر شده است (جدول ۱).

آموزش عالی تأکید می‌کند. به عبارت دیگر، دولت به منظور کاهش مخارج خود به دنبال سپردن وظیفه تأمین مالی به بخش خصوصی یا کمک گرفتن از آن است. به این دلیل، در دو دهه گذشته شاهد

جدول ۱. سهم مخارج دولتی، خصوصی و بین‌المللی مؤسسات آموزش عالی با توجه به منبع تأمین مالی در ترکیه

سال	دولتی	خصوصی		
		خانوار	سایر نهادهای خصوصی*	کل
۲۰۰۲	۹۰/۱	۹/۹	۰	۹/۹
۲۰۱۲	۸۰/۴	۱۹/۶	۰	۱۹/۶
۲۰۱۵	۷۵	۱۲/۵	۱۲/۵	۲۵
۲۰۱۶	۷۴	۱۰	۱۵	۲۵
۲۰۱۷	۷۹	۱۱	۹	۲۰
۲۰۱۸	۷۲	۱۲	۱۵	۲۷
۲۰۱۹	۶۹	۱۴	۱۶	۳۰

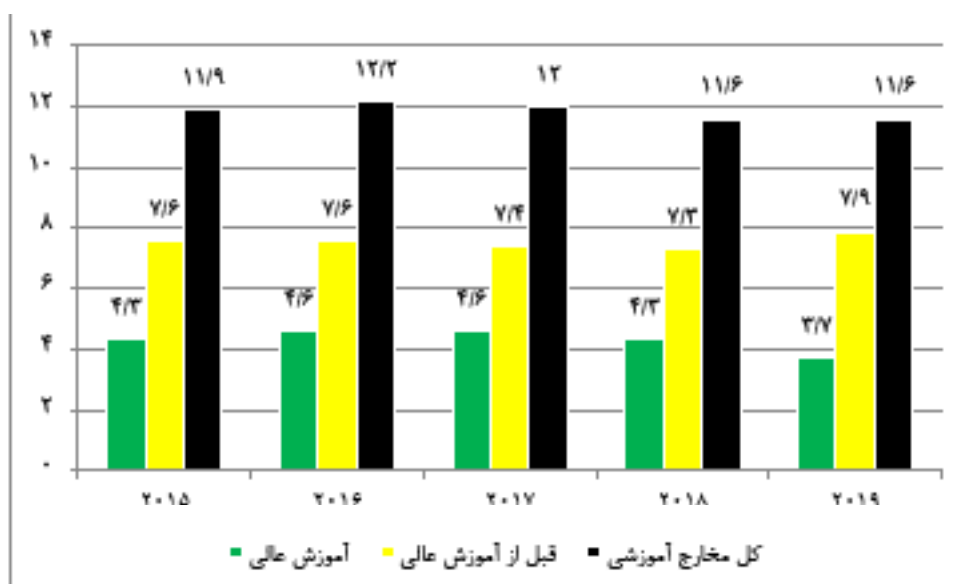
مأخذ: [۸]، [۹].

* سایر نهادهای خصوصی شامل همه سازمان‌ها، شرکت‌ها، خیرین و سایر اشخاص حقیقی است.

همچنین میزان مخارج خصوصی تقریباً به طور مساوی بین خانوارها و سایر نهادهای خصوصی توزیع شده است که این ویژگی در کشورهای دیگر کمتر به چشم می‌خورد. از این رو، ترکیه جایی بین دو حالت حدی آمریکا و ژاپن از یک سو (سهم بزرگ‌تر خانوارها) و فنلاند و آلمان از سوی دیگر (سهم بزرگ‌تر سایر نهادهای

خصوصی) قرار دارد.^۱ نکته قابل توجه دیگر این است که تا سال ۲۰۱۵، ترکیه فاقد منابع مالی بین‌المللی بود، اما از سال ۲۰۱۶ به بعد یک درصد از تأمین مالی مؤسسات از طریق بین‌المللی انجام شده است. این موضوع بیان‌گر گشودگی بیشتر اقتصاد و حتی آموزش عالی ترکیه به روی سرمایه‌گذاران خارجی است.

نمودار ۲. سهم مخارج آموزشی دولت به کل مخارج دولت در ترکیه (درصد)



مأخذ: [۹].

۱. برای مطالعه بیشتر به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «بررسی تطبیقی سازوکارهای حمایت مالی دولت از نظام آموزش عالی در کشورهای منتخب (۱)» رجوع شود.



اخذ شهریه و گسترش آن را داده است، اما به‌منظور کنترل شهریه و جلوگیری از افزایش بی‌رویه آن، خود دولت سطح شهریه را تعیین می‌کند تا آموزش عالی برای اقشار کمتر برخوردار دسترس‌پذیر باشد.

۲-۳. عربستان سعودی

عربستان سعودی یکی از سریع‌ترین نظام‌های آموزش عالی را از نظر رشد در خاورمیانه دارد و مجهز به شماری از دانشگاه‌ها در کلاس جهانی است. هفت دانشگاه این کشور در رتبه‌بندی کیو اس (QS) در زمره برترین دانشگاه‌های جهان قرار گرفته است. در عربستان بیشترین ثروتی که روی آموزش عالی سرمایه‌گذاری می‌شود، از منابع عظیم انرژی نشئت می‌گیرد، زیرا این کشور به‌طور تقریبی ۲۰ درصد از ذخایر نفتی جهان را در خود جای داده است [۱۲]. برنامه گسترش آموزش عالی در عربستان با هدف رهایی از وابستگی تاریخی به درآمد نفت و حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان از برنامه‌های جدی دولت است. برای این منظور، دولت تقریباً ۵۰ میلیارد دلار، معادل با ۱۹ درصد بودجه ۲۵۴ میلیارد دلاری خود را خرج آموزش می‌کند [۱۴].

۱-۲-۳. نقش دولت در آموزش عالی

مؤسسات آموزش عالی در عربستان به دانشگاه‌ها، مدارس عالی و مؤسسات تقسیم شده و به دو شکل دولتی و خصوصی اداره می‌شوند. در نظام دانشگاهی این کشور نیز همانند بسیاری از کشورهای به‌طور کلی سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری وجود دارد. تحصیل در مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های دولتی به‌صورت رایگان است و علاوه بر این، به همه دانشجویان عادی و دانشجویان بورسیه تحصیلی خارجی، در طول دوره تحصیل از سوی دولت حقوق ماهیانه پرداخت می‌شود. در حال حاضر ۴۲ دانشگاه در عربستان فعال هستند که از این تعداد ۱۲ دانشگاه خصوصی و ۳۰ دانشگاه دولتی فعالیت دارند. در کنار این دانشگاه‌ها هفت کالج نظامی و ۱۳ کالج خصوصی و دولتی رانیز می‌توان در زمره دانشگاه‌هایی دانست که رشته‌های خاصی را ارائه می‌دهند [۱۵]. حمایت دولت از آموزش عالی در عربستان دو جنبه مالی و مقررات‌گذاری دارد. آموزش عالی عربستان به‌ناچار در بخش قابل توجهی از بودجه و زیرساخت‌های خود به دولت متکی بوده است. با این حال، در سال‌های اخیر، بخش تجاری خصوصی در عربستان سعودی نیز مقادیر قابل توجهی پول و منابع را برای حمایت از رشد ظرفیت تحقیقاتی در دانشگاه‌های دولتی، از جمله تأمین مالی کامل برای پروژه‌های تحقیقاتی در رشته‌های مختلف اختصاص داده است، البته موقوفات و کمک‌های بشر دوستانه

نمودار ۲ نشان می‌دهد که در حدود ۱۲ درصد از مخارج دولت به آموزش اختصاص داده شده است.^۱ نکته حائز اهمیت این است که مخارج دولت ترکیه برای کمک به خانواده دانشجویان عمدتاً در قالب وام انجام می‌شود و کمک‌های بلاعوض تقریباً یک‌سوم کل کمک‌های دولت را تشکیل می‌دهد [۸]. از این حیث ترکیه رویه‌ای مشابه با نیوزلند، نروژ، استرالیا و برخی کشورهای دیگر OECD را در پیش گرفته است. نکته دیگر، روند صعودی سهم آموزش عمومی و روند نزولی سهم آموزش عالی از مخارج دولت است. شاید صحیح نباشد که این روندها را به معنای کاهش اولویت آموزش عالی نزد دولت‌مردان ترکیه تلقی کنیم، بلکه امکان جذب منابع خصوصی و درآمدزایی خود مؤسسات آموزش عالی است که این وضعیت را شکل داده است. در طول زمان، تعداد دانشگاه‌های دولتی، که عمدتاً از طریق بودجه دولت تأمین مالی می‌شوند، افزایش یافت به طوری که ۰۳۱ دانشگاه دولتی تا پایان سال ۹۱۰۲ وجود داشت و این دانشگاه‌ها بخش قابل توجهی (۵۹ درصد) منابع مالی خود را از دولت مرکزی دریافت می‌کردند [۱۲]. در مجموع، نظام تأمین مالی آموزش عالی در ترکیه با چند ویژگی شناخته می‌شود:

■ تداوم تأمین بودجه از سوی دولت به شیوه سنتی برای دانشگاه‌های دولتی که به عملکرد آنها مربوط نمی‌شود. این ویژگی در نوع نظام بودجه‌بندی ترکیه ریشه دارد که به شیوه مبتنی بر عملکرد انجام نمی‌شود، بلکه از نوع افزایشی است. در این نظام، بودجه دولت برای دانشگاه‌ها در هر سال به میزان نسبتی از بودجه سال قبل اضافه می‌شود. بنابراین، هیچ‌گونه ارتباطی بین سطح عملکرد و میزان بودجه دانشگاه‌ها تعریف نشده است.

■ سیاستگذاری فعال دولت برای ورود بخش خصوصی به آموزش عالی. این موضوع از سیاست کلی اقتصادی دولت سرچشمه می‌گیرد که براساس آن فضای رقابتی بین فعالان خصوصی تشویق می‌شود. ■ کاهش سهم آموزش عالی از کل مخارج دولت. ترکیه در این ارتباط از رویه‌های سایر کشورهای صنعتی پیروی کرده است، به این معنا که دولت تا حد امکان هزینه‌ها را به سمت بخش‌هایی هدایت می‌کند که بدون حمایت دولت کمتر امکان تأمین مالی مستقل دارند، مانند آموزش عمومی، بهداشت و سلامت و غیره. از آنجاکه دانشگاه‌ها توان درآمدزایی از محل محصولات (آموزشی، پژوهشی) خود را دارند، لذا دولت سعی کرده است زمینه را برای خودگردانی هر چه بیشتر آنها مهیا سازد.

■ افزایش سهم شهریه و تعیین آن توسط دولت در دانشگاه‌های دولتی. در راستای تقویت ورود منابع خصوصی به دانشگاه‌ها، دولت اجازه این نسبت در ایران در سال ۲۰۱۹ در حدود ۲۱ درصد بوده است [۱].

جمعیت عربستان نیز تغییر کرده است. تمایل آشکاری هم در دولت و هم در کل جامعه برای افزایش نرخ مشارکت در آموزش عالی، به ویژه در میان فارغ التحصیلان دبیرستان وجود دارد. به طور گسترده مشخص شده است که اقتصاد دانش بنیان که با جهانی شدن همراه شده، نیاز به نیروی کار با تحصیلات عالی در عربستان را افزایش داده است. تعداد تخمینی دانشجویان در نظام آموزش عالی نیز به طور قابل توجهی رشد کرده است و به تقریباً ۸۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۱ رسید. پذیرش این تعداد دانشجو برای دولت عربستان پرهزینه بود و پیش بینی می شد تا سال ۲۰۱۵ به مبلغ ۴۲،۴۰۵،۰۰۰،۰۰۰ دلار برسد [۲۰]. افزایش سریع هزینه‌ها، همراه با بی ثباتی قیمت‌های نفت، عامل اصلی بود که دولت عربستان را بر آن داشت تا به فکر منابع جایگزین برای تأمین مالی آموزش عالی باشد. بنابراین، تأثیر درآمدهای پرنوسان بر بودجه کل کشور به طور کلی و بودجه آموزش به طور خاص، برنامه ریزی بلندمدت را متزلزل کرده است. در این شرایط، بهبود بخش آموزش عالی خصوصی برای دولت عربستان در اولویت قرار گرفت. بنابراین، به دلایل متعدد، دولت عربستان توسعه بخش آموزش عالی خصوصی را تشویق کرد که می تواند بازار کار منطقه‌ای و نیازهای اجتماعی را تأمین کند و آینده شغلی غیردولتی را برای هزاران دانش آموخته دوره متوسطه عمومی فراهم نماید [۲۰].

در سال ۱۹۹۱، وزارت آموزش عالی شروع به مطالعه ظرفیت‌های آموزش عالی خصوصی کرد. در آن زمان، هفت دانشگاه دولتی ارائه دهنده آموزش عالی در عربستان سعودی بودند. در ژوئن ۱۹۹۷، شورای وزیران با صدور فرمانی، مجوز تهیه چشم‌انداز جدید برای ایجاد مؤسسات خصوصی را صادر کرد که بخش خصوصی را قادر می ساخت تا دانشگاه‌ها و کالج‌های غیرانتفاعی را برای تأمین اهداف دولت، توسعه دهند. از طریق یک سری تصمیمات دولتی و وزارتی، چارچوب یک نظام خصوصی ایجاد شد (جدول ۲).

مختلف یک پدیده جدید در آموزش عالی عربستان است که می توان گفت به نوعی از اعمال مذهبی تأثیر می پذیرد و بنابراین، حداقل تا حدی، یک پیشرفت طبیعی در تکامل آموزش عالی دولتی نیز به شمار می آید [۱۶].

در عربستان سعودی، دانشگاه‌های دولتی به طور کامل توسط دولت اداره شده و بودجه آنها از این طریق تأمین می شود و دانشجویان هیچ شهریه‌ای پرداخت نمی کنند. شاید یک دلیل عمده این وضعیت این است که آموزش عالی در جامعه عربستان مطابق با هنجارهای بین المللی و مشابه با بسیاری از کشورهای به مثابه یک حق تلقی می شود. چنین فرهنگ استحقاقی حداقل تا حدی به دلیل بودجه هنگفت دولت برای آموزش عالی به عنوان رکن کلیدی برنامه ۱۰ ساله توسعه ملی ایجاد شده است. به دلیل حمایت مالی زیاد، دولت عربستان کنترل قوی بر اداره دانشگاه‌ها دارد، البته در دهه اخیر با افزایش تقاضا برای آموزش عالی، دولت در صدد اعطای مجوز سهم بیشتر به بخش خصوصی است [۱۷]. دانشگاه‌های خصوصی در عربستان سعودی در حال حاضر به شدت توسط دولت مقررات گذاری می شوند و وزارت آموزش عالی با مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های سیاستی در رابطه با تأسیس، بهره‌برداری و صدور مجوز مؤسسات آموزش عالی خصوصی نظارت می کند [۱۸].

دلیل بیان شده برای این سطح از کنترل دولتی، تضمین نتایج با کیفیت و تنوع در رشته‌هاست، به طوری که نیازهای بازار کار را برآورده کند و با اهداف پیشرفت علمی و فنی پادشاهی مطابقت داشته باشد. حال آنکه افزایش رقابت و عملکرد «بازار آموزش» که در آن نقش دولت به حداقل می رسد، احتمال بیشتری برای دستیابی به نتایج کیفی برای نظام آموزش عالی عربستان دارد [۱۹].

به دنبال رشد جمعیت این کشور در دهه گذشته که تقریباً هشت میلیون نفر به آن افزوده شده است، آرمان‌ها و نیازهای آموزشی

جدول ۲. سیر مقررات دولت برای توسعه و حمایت مالی از آموزش عالی خصوصی

اقدام	زمان
تعیین وزارت آموزش عالی به عنوان متولی تأسیس مؤسسات خیریه (حامی آموزش عالی).	سپتامبر ۱۹۹۸
تعیین ضوابط اجرایی تأسیس، صدور مجوز و اعتبار مؤسسات خصوصی تحت نظارت دولت.	آوریل ۱۹۹۹
اجازه تأسیس مؤسسات خصوصی غیرانتفاعی توسط بخش خصوصی و بنیادهای خیریه.	نوامبر ۲۰۰۰
تصمیم مهم هیئت وزیران برای ایجاد نظام اجاره زمین‌های دولتی به مؤسسات خصوصی با نرخ‌های بسیار پایین‌تر از ارزش بازار، مطابق با سیاست‌های وزارت مالیه، وزارت آموزش عالی و وزارت امور محلی و مقامات دولتی مربوط به زمین. تصمیم در مورد اعطای وام‌های «کم‌هزینه» به مؤسسات خصوصی، همانند بیمارستان‌های خصوصی.	ژوئن ۲۰۰۱
صدور فرمان سلطنتی مبنی بر ایجاد کمک‌های مالی وزارتی برای پرداخت شهریه‌های تقریباً یک سوم دانشجویان در هر مؤسسه آموزش عالی خصوصی.	سپتامبر ۲۰۰۶

مأخذ: [۲۰].



از بوروکراسی و بودجه رسمی محدود فراهم کنند. نگرش استادان و دانشجویان عموماً نسبت به این تغییر مثبت است، اما برخی نیز نگران هستند که چه تأثیری بر حقوق اساتید و هزینه‌های دانشجویی می‌گذارد. نظام جدید ۲۹ دانشگاه دولتی را زیر پوشش قرار می‌دهد، اما تاکنون تنها سه دانشگاه زیر نظر آن شروع به کار کرده‌اند: دانشگاه ملک سعودی در ریاض، دانشگاه ملک عبدالعزیز در جده و دانشگاه امام عبدالرحمن بن فیصل در دمان. این سه دانشگاه در مجموع حدود ۱۴۵۰۰۰ دانشجوی در رشته‌های مختلف دارند. این نظام طبق استانداردهای تعیین شده توسط شورای امور دانشگاه‌ها که تنظیم‌کننده رسمی آموزش عالی در این کشور است، به تدریج در سایر دانشگاه‌ها اجرا خواهد شد. بنابر اعلام معاون وزیر آموزش و پرورش در امور آموزش دانشگاهی^۱ «نظام جدید نشان‌دهنده یک گام جسورانه بلندپروازانه به سوی استقلال است، که به معنای دور شدن از بوروکراسی دولتی و به سمت انعطاف‌پذیری بیشتر در تصمیم‌گیری به نفع دانشگاه‌هاست». در حالی که نظام جدید به دنبال کاهش هزینه‌های دولت در آموزش عالی است، قانون جدید دانشگاه‌ها، تحصیل را برای دانشجویان مقطع کارشناسی رایگان نگه می‌دارد. با این حال، این اجازه را به دانشگاه‌ها می‌دهد تا برای تحصیلات تکمیلی و همچنین امکان سرمایه‌گذاری برای توسعه منابع مالی جایگزین، هزینه‌هایی را برای دانشجویان وضع کنند [۲۳].

به علاوه، نظام جدید آموزش عالی عربستان به دانشگاه‌ها این آزادی را می‌دهد که به دنبال منابع مالی برای افزایش خود باشند. همچنین به آنها نوعی استقلال دانشگاهی می‌دهد تا بتوانند تخصص‌های جدیدی را متناسب با الزامات بازار کار ایجاد کنند. براساس نظام جدید، دانشگاه‌ها برای کسب اعتبار برنامه‌ای و نهادی از کمیسیون ارزیابی آموزش و پرورش یا یکی از نهادهای بین‌المللی مورد تأیید کمیسیون تلاش خواهند کرد. این تغییر جدید مطابق با چشم‌انداز ۲۰۳۰ پادشاهی عربستان است (یک برنامه راهبردی که در آوریل ۲۰۱۶ اعلام شد) [۲۳].

با شناسایی اهمیت آموزش، دولت عربستان با هزینه‌کرد متوسط ۸ درصد از تولید ناخالص داخلی در پنج سال گذشته در بخش آموزش، یکی از بزرگ‌ترین نرخ‌های رشد بودجه آموزش عالی را در جهان داشته است. در سال ۲۰۲۰، دولت ۵۱/۵ میلیارد دلار یا ۱۹ درصد از کل بودجه را به آموزش اختصاص داد، در حالی که در سال ۲۰۱۹ معادل ۱۷/۵ درصد بود [۲۴]. چنین حمایت مالی دولت به معنای رشد چشمگیر نظام آموزشی این کشور در ادوار اخیر بوده است. بودجه آموزش عالی حدود ۹ درصد کل، معادل ۲۵ میلیارد دلار است. هدف

تصمیم دولت برای یارانه دادن به اجاره زمین، وام‌ها و شهریه‌ها نشان می‌دهد که تا چه اندازه آماده حمایت از دانشگاه‌ها و کالج‌های خصوصی با مشوق‌هایی است تا این بخش در پیشبرد اهداف آموزشی و پرورشی پادشاهی موفق شود. با انجام این کار، مشخص شد که مؤسسات غیرانتفاعی خصوصی سعودی در یک محیط اقتصادی، ترکیبی، دولتی و خصوصی فعالیت خواهند کرد. این ترکیب مشابه چیزی است که در بیشتر کشورهای دیگر ایجاد شده بود و به دانشگاه‌های خصوصی اجازه شکوفایی داد [۲۰].

یکی از مصادیق اعطای یارانه، بورسیه ملک عبدالله است که توسط وزارت آموزش عالی عربستان سعودی به منظور فراهم‌سازی فرصت‌هایی برای شهروندان سعودی برای ادامه تحصیلات دانشگاهی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در خارج از کشور ارائه می‌شود. به هر یک از دریافت‌کنندگان حداکثر ۱۳۵۰ یورو ماهیانه برای حداکثر ۵ سال تعلق می‌گیرد [۲۱]. دانشجویانی که از بورس‌های خارج از کشور و برنامه‌های تحصیلی تمام‌وقت در کشور دیگر استفاده می‌کنند بیشتر توسط برنامه بورسیه تحصیلی ملک عبدالله حمایت می‌شوند که بزرگ‌ترین برنامه بورسیه دولتی است. این برنامه در سال ۲۰۰۵ راه‌اندازی شد.

سیاست‌های آموزشی عربستان سعودی ابتکارات کلیدی مورد توجه قرار داده است. یکی از این ابتکارات، طرح آفاق است که بر استفاده و کاربرد فناوری به منظور تسهیل دسترسی به آموزش الکترونیکی و آموزش از راه دور تمرکز دارد. هدف این طرح دسترسی بیشتر به آموزش عالی برای شهروندان سعودی است. مطابق با این هدف، دولت مرکز ملی آموزش الکترونیکی و آموزش از راه دور را تأسیس کرد. این مرکز قصد دارد با مشارکت برنامه آفاق، فرصت‌های آموزشی را برای شهروندان افزایش دهد [۲۲]. سیاست‌های آموزشی عربستان سعودی ابتکارات کلیدی مورد توجه قرار داده است. یکی از این ابتکارات، طرح آفاق است که بر استفاده و کاربرد فناوری به منظور تسهیل دسترسی به آموزش الکترونیکی و آموزش از راه دور تمرکز دارد. هدف این طرح دسترسی بیشتر به آموزش عالی برای شهروندان سعودی است. مطابق با این هدف، دولت مرکز ملی آموزش الکترونیکی و آموزش از راه دور را تأسیس کرد. این مرکز قصد دارد با مشارکت برنامه آفاق، فرصت‌های آموزشی را برای شهروندان افزایش دهد [۲۲].

۲-۳. تأمین مالی در آموزش عالی عربستان

نظام جدید حکومتی آموزش عالی عربستان سعودی که از تابستان ۲۰۲۰ استقرار یافت، به دانشگاه‌های دولتی استقلال مالی، اداری و علمی اعطا می‌کند تا فرصت‌های بیشتری را برای توسعه به دور

۱. عبدالرحمن الخرایف.

بازار آموزش عالی است که به طور خزانده در برخی کشورهای دنیا، به ویژه کشورهای صنعتی، مشاهده می شود. این شیوه تأمین مالی هدفمندتر بوده و بر کارایی هزینه های دولت می افزاید.



۳-۳. روسیه

در سه دهه گذشته، پس از آزادسازی خدمات دانشگاهی و مشاوره های در روسیه، دانشگاه ها به درآمد زیادی در این زمینه دست یافتند. به علاوه، کمک مالی دولت به دانشگاه ها بر یک مبنای ثابت در طول زمان انجام می شود. به این معنا که مبالغ سال قبل به مثابه یک خط تراز با افزایشی که پاسخ گوی تورم حقوق و دستمزد باشد، برای تعیین بودجه دانشگاه ها در نظر گرفته می شود. [۲۵].

تجاری سازی آموزش عالی و نیاز به تضمین فعالیت های روزمره دانشگاه ها موجب توسعه چشمگیر شبکه شعب دانشگاهی در روسیه سیاست منسجمی را برای بهبود رقابت پذیری نظام آموزش عالی اجرا کرده است که در شکل گیری تحقیقات فدرال، ملی و دانشگاه های حمایت کننده آشکار شد. هدف از این اصلاحات، تمرکز منابع، بهبود بهره وری استفاده از آنها، ایجاد شرایط برای شکل گیری ظرفیتهای نوآورانه، بهبود کارایی فعالیت های تحقیقاتی و افزایش رقابت پذیری دانشگاه های روسیه است [۲۳].

یکی از پیامدهای این رویه، گرایش به خصوصی سازی آموزش عالی است که به صورت افزایش شمار دانشگاه های خصوصی و کاهش تعداد دانشگاه های برخوردار از تأمین مالی دولتی ظاهر شد (نمودار ۳).

نظام جدید صرفاً کاهش هزینه های دولتی برای دانشگاه ها نیست، بلکه تبدیل دانشگاه ها از مؤسسه هایی کاملاً وابسته به دولت به مؤسسه هایی است که می توانند منابع مالی خود را توسعه دهند و به بلوغ مدیریتی و علمی دست یابند. این موارد نشان دهنده تلاش های جدی برای بیرون آمدن از پوشش یک دولت رانتی وابسته به نفت به سمت کشوری است که قادر به تولید منابع مختلف است [۲۳].

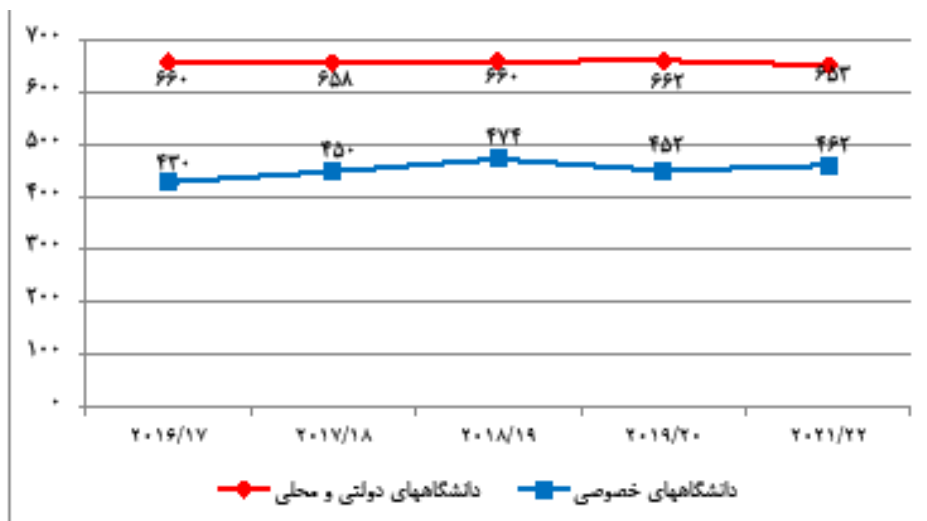
در مجموع، چند ویژگی مهم در تأمین مالی آموزش عالی عربستان مشاهده می شود:

■ تأمین مالی عمدتاً به صورت دولتی و با توجه به نوع ساختار حکومتی بسیار تحت کنترل و متمرکز بوده است. در کشوری مانند عربستان که بخش عمده درآمد دولت از فروش حامل های انرژی (نه بر اساس مالیات) حاصل می شود و یک نظام سیاسی متمرکز حاکمیت دارد، انتظار می رود که نظام آموزش عالی زیر نظارت و کنترل کامل دولت اداره شود. در این شرایط، تأمین مالی عمدتاً دولتی بسیار محتمل است زیرا دولت مسئولیت اصلی امور آموزشی، به ویژه در سطح عالی، را بر عهده دارد.

■ تلاش ها در سال های اخیر نشان دهنده باز شدن درجه هایی برای مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی است. اتکای آموزش عالی به منابع مالی و سیاست گذاری دولتی مانع از پیشروی و گسترش (حتی خفیف) بخش خصوصی در عربستان نشده است. این تحول، عمدتاً به دلیل آگاهی از پیامدهای مثبت رقابت در بازار آموزش عالی عربستان است.

■ علاوه بر حمایت مالی مستقیم از مؤسسات، دولت به طور غیرمستقیم به دانشجویان کمک مالی می کند. یک تحول برجسته در دنیای امروز، حرکت به سوی تأمین مالی غیرمستقیم یا همانا کمک به سمت تقاضای

نمودار ۳. روند تغییرات تعداد دانشگاه ها در روسیه



مأخذ: [۲۴].

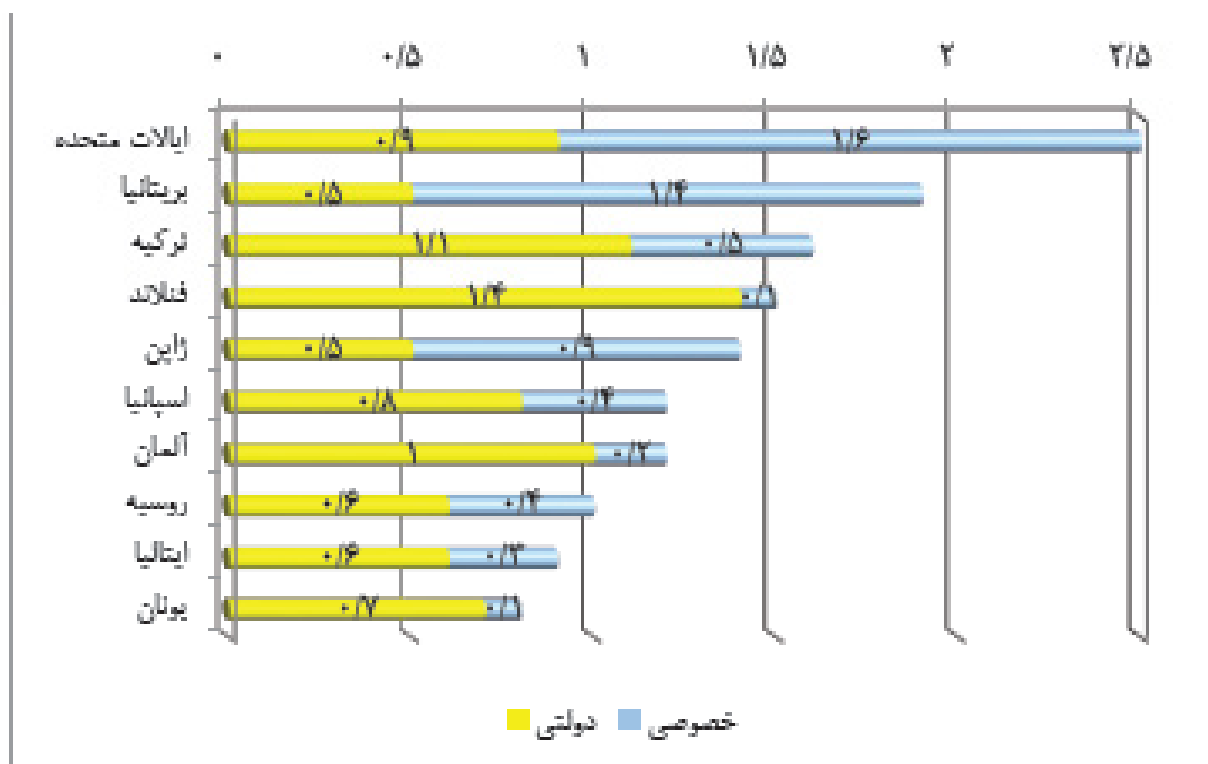


۳-۱-۳. ساز و کار تخصیص بودجه به دانشگاه‌ها

تأمین مالی مؤسسات آموزش عالی در روسیه در سه سطح انجام می‌شود: فدرال، منطقه‌ای و شهری. باین حال، در واقع بار مالی اصلی و قابل توجه بر عهده دولت است. منابع تأمین مالی به دو دسته برنامه‌ریزی شده (اصلی)^۱ و تکمیلی^۲ تقسیم می‌شوند. بودجه فدرال منبع اصلی تأمین مالی دانشگاه‌هاست [۲۸]. ساختار هزینه‌ها در سال ۲۰۱۷ به شکلی بود که بخش آموزش تنها ۳/۵ درصد از کل بودجه را شامل می‌شد. دولت در نظر دارد میزان مصارف بودجه‌ای در دانشگاه‌ها را بیش از ۴۰ درصد و میزان بودجه برنامه توسعه آموزشی را بیش از ۲۰ درصد کاهش دهد [۲۸]. توزیع بودجه بین دانشگاه‌های روسیه بر اساس اصول شبه رقابت و برابری انجام می‌شود. دانشگاه‌های مستقر در مناطق با شاخص‌های پایین توسعه اجتماعی-اقتصادی عمدتاً برای دستیابی به برابری در فعالیت‌های آموزشی تأمین مالی می‌شوند

و با بهبود وضعیت اجتماعی-اقتصادی در منطقه، بودجه به سمت برابری در فعالیت‌های پژوهشی هدایت می‌شود. نتیجه واضح‌تر دیگر این است که فعالیت‌های پژوهشی دانشگاه‌هایی که در برنامه‌های دولتی شرکت می‌کنند بر اساس رقابت تأمین مالی می‌شود، در حالی که توزیع منابع مالی سایر دانشگاه‌ها کمتر بر اصل رقابت متکی هستند و ما را به این فرض سوق می‌دهد که فعالیت‌های پژوهشی این دانشگاه‌ها بر اساس اصل برابری تأمین مالی می‌شوند. در کل، مؤسسات آموزش عالی در روسیه ۶۱٪ از بودجه خود را از بودجه عمومی دریافت می‌کنند که این نسبت به‌طور خاص برای دانشگاه‌های دولتی معادل ۶۳٪ است [۲۹]. باین حال، میزان هزینه دولت روسیه برای آموزش عالی در مقایسه با بسیاری از کشورها چندان قابل توجه نیست. نمودار ۴ مخارج آموزش عالی برخی کشورها را در سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد.

نمودار ۴. مخارج آموزش عالی در چند کشور به صورت درصد از تولید ناخالص داخلی (۲۰۱۹)



مأخذ: [۲۶].

1. Planned (main)
2. Supplementary

اساساً رویکرد بودجه‌بندی مبتنی بر عملکرد دیگر به دانشگاه به‌مثابه یک ترکیب ثابتی از دارایی‌ها که باید بر مبنای ایستاد تأمین مالی شود، نمی‌نگرد. برعکس، تأمین مالی دولتی اساساً هدف حمایت و تقویت کیفیت آموزش دانشجویان را دنبال می‌کند [۲۵]. این سازوکار تأمین مالی دولتی به‌روز شده شامل نرخ‌های یکپارچه بودجه مبتنی بر قانون به‌زای هر دانشجو است که برای هر رشته تحصیلی خاص محاسبه می‌شود. ساختار اصلی چنین هزینه‌های شهریه واحد هم‌راستا با تجهیزات اختصاصی، زیرساخت فنی، ساختمان، امکانات بهداشتی و سایر الزامات مندرج در استانداردهای آموزشی و سایر مقررات قابل اجرا تعیین می‌شود.

کل برنامه درسی ملی در سه گروه هزینه طبقه‌بندی شده که برای هر یک از آنها نرخ‌های تأمین مالی واحد استاندارد تعیین شده است. - گروه یک شامل طیفی از برنامه‌های آموزشی است که در آنها هیچ استفاده‌ای از تجهیزات آزمایشگاهی تخصصی، آموزش شخصی یا آموزش گروه‌های کوچک وجود ندارد. برنامه‌هایی که در این دسته قرار می‌گیرند بیشتر رشته‌های اقتصاد و حقوق به‌همراه برخی از برنامه‌های ریاضی، زبان و ادبیات و ... هستند.

- گروه دو تعدادی برنامه در علوم و مهندسی و همچنین آموزش پزشکی رایج را شامل می‌شود. این طبقه متضمن بودجه استاندارد به‌زای هر دانشجو با نرخ تقریباً ۱۵ درصد بالاتر از نرخ مربوط به گروه یک است.

- گروه سه آن دسته از برنامه‌های آموزشی را دربرمی‌گیرد که در آنها آموزش تخصصی سطح بالا، آموزش انفرادی یا استفاده از تجهیزات گران‌قیمت و با فناوری پیشرفته انجام می‌شود. نرخ تأمین مالی واحد برای این گروه دو برابر نرخ اعمال شده برای رشته‌های تحصیلی گروه یک است. پرهزینه‌ترین برنامه‌ها شامل هنرهای زیبا، زبان‌شناسی، رشته‌های بسیار تخصصی در مراقبت‌های بهداشتی و مهندسی و ... است.

با در نظر گرفتن توزیع جغرافیایی دانشگاه‌های روسیه و یک چشم‌انداز اجتماعی-اقتصادی عمدتاً نابرابر بر حسب منطقه، رویکرد تأمین مالی مورد بحث، اعمال نرخ‌های تأمین مالی واحد در گروه‌های متفاوت را فراهم می‌آورد. بنابراین، برای مثال، نرخ استاندارد تأمین مالی واحد در ایالت ورونژ^۴ تقریباً نصف نرخ است که برای هر رشته تحصیلی در مسکو اعمال می‌شود. تخصیص بودجه بر حسب منطقه از طریق تعدیل‌های منطقه‌ای که در نرخ‌های واحد استاندارد لحاظ می‌شوند،

در نمودار ۴ مشاهده می‌شود که روسیه جزء کشورهای برتر از لحاظ میزان هزینه برای آموزش عالی نیست و در کل یک درصد از تولید ناخالص داخلی را صرف آموزش عالی می‌کند. با وجود این، روند پیش‌رونده مشارکت بخش خصوصی در این عرصه می‌تواند وضعیت موجود را تغییر دهد، زیرا به‌دلایل مشخص (از جمله تنگنای مالی شدید دولت و ...) بدون این مشارکت و قرار گرفتن بار عمده هزینه آموزش عالی بر دوش دولت، امکان افزایش سهم آموزش عالی از کل ارزش تولید کشور وجود نخواهد داشت. شاید همین ورود بخش خصوصی منجر به این شده است که مخارج آموزش عالی در روسیه در سال‌های اخیر افزایش یابد به طوری که در ۲۰۰۴، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۲ سهم آموزش عالی از کل مخارج آموزشی به ترتیب ۱۸/۳، ۲۱/۹ و ۲۱/۱۵ درصد بوده است [۳۰]. یعنی به‌طور نسبی اهمیت آموزش عالی در جامعه روسیه در حال رشد کرده است.

۲-۳-۳. ساختار بودجه آموزش عالی در روسیه

قانون فدراسیون روسیه با عنوان «درباره آموزش» در سال ۱۹۹۲ برای تضمین استقلال اقتصادی همه مؤسسات آموزشی به تصویب رسید. براساس این قانون، مؤسسات آموزشی از گرفتن وام منع شدند و وجوه خارج از بودجه^۱ جزو درآمدهای غیرمالیاتی بودجه آنها در نظر گرفته شد. همه اینها مدیریت آزاد بودجه و وجوه خارج از بودجه را تضمین می‌کرد. در عمل، به دانشگاه‌ها آزادی قابل توجهی برای مدیریت وجوه خارج از بودجه داده شد. در سال ۲۰۰۶، طبق قانون فدرال، نوع جدیدی از مؤسسه با عنوان مؤسسات خودگردان^۲ تشکیل شد. این نوع مؤسسات باید براساس یارانه (یا وقف) تأمین مالی می‌شدند، می‌توانستند از مؤسسات اعتباری وام دریافت کنند. در آغاز سال ۲۰۱۲، حدود ۰/۳۵ درصد از مؤسسات آموزشی خودگردان شدند [۲۷].

تصویب قانون جدید بودجه و قانون سال ۲۰۱۲ آموزش که در سال ۲۰۱۴ اجرایی شد، چرخش مهمی را در چارچوب تأمین مالی دانشگاه ایجاد کرد و به‌عنوان نقطه اتکایی برای گذار از تخصیص بودجه مبتنی بر هزینه به تخصیص مبتنی بر عملکرد ایفای نقش کرد. شاخص‌های اصلی عبارتند از: فعالیت آموزشی، نسبت تعداد دانشجویان و اعضای هیئت علمی (کارکنان آموزشی)، فعالیت‌های پژوهشی (کمک مالی، پروژه‌ها، و ...)، فعالیت بین‌المللی (از جمله تعداد دانشجویان خارجی)، فعالیت مالی و اقتصادی، حقوق اعضای هیئت علمی به‌صورت درصدی از میانگین دستمزد در منطقه، اشتغال فارغ‌التحصیلان و سایر شاخص‌ها [۲۸].

1. Extra-Budgetary Funds
2. Autonomous Institutions
3. Unit Funding Rates
4. Voronezh



یک دانشگاه روسیه ۵۶ درصد سرمایه‌گذاری دولتی و ۴۴ درصد وجوه حاصل از فعالیت‌های انتفاعی است [۳۱]. تا پیش از اصلاح تأمین مالی دولتی، دانشگاه‌ها تقریباً به‌طور کامل به تخصیص بودجه دولتی متکی بودند که قرار بود ۱۰۰ درصد هزینه‌های آنها را پوشش دهد. انجام خدمات در ازای پول عمده‌تأبه‌عنوان یک منبع درآمد اختیاری (اگرچه گاهی در خور و قابل توجه) تلقی می‌شد و هزینه‌های مربوط به آنها معمولاً به‌عنوان بخشی از هزینه کالاهای فروخته شده در نظر گرفته نمی‌شد.

همان‌طور که در بالا اشاره شد، قانون جدید آموزش نقطه‌عطفی را برای این بخش رقم زده است و به دانشگاه‌ها در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی، تحقیقاتی، راهبردی و مقررات محلی خود اختیارات بیشتری را داده است. این یک انگیزه بازاری مهم را در تقویت نگرش تجاری به مؤسسات آموزش عالی و مشارکت در عملیات انتفاعی ایجاد کرده است. به‌این ترتیب، بین سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۶، درآمد دانشگاه‌ها از فعالیت‌های درآمدزا به‌اندازه ۱/۳ برابر رشد کرد که با افزایش درآمد تحقیق و توسعه همراه بود. به‌ویژه، میزان وجوه تحقیق و توسعه جمع‌آوری شده مستقیماً بر حجم تأمین مالی دولتی مربوطه (درواقع، تأمین مالی مشترک) که به‌سمت دانشگاه‌های پیشرو جریان می‌یابد، تأثیر می‌گذارد، که بیشتر منطق بهره‌برداری از بازار خدمات پولی را پیش می‌برد. تحولات اخیر در رویکرد تأمین مالی آموزش عالی، یک محیط آزاد، نیرومندتر و منعطف‌تر را فراهم کرده است که در آن دانشگاه‌ها اکنون در موقعیت مناسبی برای بهره‌برداری از ظرفیت خودگردانی و تصمیم‌سازی مستقل قرار دارند؛ همچنین فعالان بازار را ملزم می‌سازد که مسئولیت بیشتری را در هر جنبه از دستور کار عملیاتی خود بر عهده بگیرند. دولت روسیه دیگر در جایگاه یک مقام نظارتی با کنترل ۱۰۰ درصدی عمل نمی‌کند، زیرا فرض است که یک نقش به‌روز شده و بازارمحور برای نظارت، تحلیل و سرپرستی کلی را بر عهده گرفته است. واضح است که در این محیط ارتقایافته، بیشتر موفقیت دانشگاه در ایجاد مزیت رقابتی پایدار به استفاده از رویکردهای داخلی اثربخش و روزآمد در مدیریت سازمانی و اقتصادی بستگی دارد [۲۵].

۳-۳-۴. شهریه و بورسیه تحصیلی دولت

طبق قانون اساسی سال ۱۹۹۳، شهروندان فدراسیون روسیه حق برخورداری از آموزش عالی رایگان (بدون شهریه) را دارند. قانون اساسی، با تکیه بر الگوی شوروی، بر ارزش‌های اجتماعی برابری دسترسی، تحرک اجتماعی و شایسته‌سالاری تأکید دارد. باین حال، امروزه تحولات آموزش عالی روسیه به‌طرز فزاینده‌ای

تنظیم می‌شود. این ضرایب تعدیل بسته به سطح دستمزد هر منطقه، تعرفه‌های خدمات رفاهی و ... از ۱ تا ۳/۵ متغیر است. کمترین ضریب برای دانشگاه‌های مرکزی و جنوبی روسیه (به‌جز مسکو) اعمال می‌شود. در سنت پترزبورگ و مناطق توسعه‌یافته از لحاظ اقتصادی در سیبری و جنوب شرقی از مقادیر متوسط استفاده می‌شود. بالاترین ضرایب برای دانشگاه‌های قطب شمال روسیه، شمال شرقی، سیبری و مسکو به کار می‌رود [۲۵].

جدای از تمایز منطقه‌ای، نظام تازه معرفی شده برای تأمین مالی دولتی دانشگاه شامل دو ضریب تعدیل دیگر می‌شود. اولی، که در آموزش دانشجویان با نیازهای ویژه اعمال می‌شود، یک نرخ تأمین مالی واحد استاندارد دوگانه را برای هر گروه هزینه‌ای رشته‌های تحصیلی ارائه می‌دهد. علاوه بر این، ۴۶ دانشگاه برتر از جمله دانشگاه‌های پژوهشی ملی در روسیه مجاز به تعیین استانداردهای آموزشی خود هستند. در هدایت وجوه برای این مؤسسات، یک ضریب افزایشی اعمال می‌شود که منعکس‌کننده محصولات پژوهشی دانشگاه، بهره‌وری انتشارات و همچنین نمرات آزمون ورودی متقاضیان است [۲۵].

این نظام تأمین مالی دولتی به‌هیچ‌وجه تنها گزینه جمع‌آوری کمک‌های مالی قابل دسترس برای دانشگاه‌های روسیه نیست. مؤسسات آموزش عالی حق دارند طیفی از خدمات را در ازای پرداخت بها بر اساس زیرساخت‌های پردیس دانشگاهی دولتی که در حال حاضر در اختیار مدیریت و بهره‌برداری آنها قرار دارد، ارائه دهند. با وجود این، از آنجایی که دولت روسیه دیگر مسئول حفظ چنین دارایی‌های املاک و مستغلات نیست، شهریه‌های اخذ شده باید متناسب با نرخ‌های استاندارد تأمین مالی به‌ازای هر دانشجوی (کمک‌هزینه تحصیلی دولتی) باشد.

۳-۳-۳. منابع تأمین مالی جایگزین

سایر منابع تأمین مالی شامل ارائه خدمات پژوهشی، مشاوره‌ای و ارزیابی تخصصی می‌شود. دانشگاه‌ها در روسیه به‌دلیل وابستگی به تأمین مالی دولتی، انگیزه کافی برای بهره‌گیری از این منابع را ندارند. بر همین اساس، مدیران دانشگاهی هنوز ظرفیت استقلال و چابکی بیشتر در مدیریت مالی و عملیاتی را که به‌وسیله تغییرات نظارتی اخیر به‌وجود آمده است، به‌طور کامل درک نکرده‌اند.

با توجه به پیشرفت‌های مورد بحث در بالا که در چارچوب‌های قانونی و مالی اتفاق افتاد، اکنون می‌توان دانشگاه‌های دولتی را به‌مثابه واحدهای اقتصادی مستقلی در نظر گرفت که در یک فضای بازار رقابتی در زمینه خدمات آموزشی، پژوهشی و ... فعالیت می‌کنند [۲۵]. بر این اساس، امروزه، میانگین تقسیم بودجه برای

به تدریج سهم خود را کاهش می‌دهند تا یک تقسیم‌بندی معقول از مشارکت نقش آفرینان مختلف حاصل شود.

■ تخصیص بودجه به مؤسسات آموزش عالی به‌طور مستقیم به نتایج فعالیت آنها بستگی دارد. این ویژگی نتیجه تبعی اجرای بودجه‌بندی مبتنی بر عملکرد در آموزش عالی است. برقراری پیوند بین عملکرد و بودجه از الزامات حرکت به سوی کارایی در تخصیص منابع است. دولت روسیه به‌شکلی واضح و دقیق این ارتباط را تعریف کرده است.

■ وجود منابع تکمیلی در تأمین مالی که به تعداد دانشجویان شهریه‌پرداز بستگی دارد. این یکی از اشکال سنتی تأمین مالی مستقیم (کمک به مؤسسات آموزش عالی) است که در روسیه اجرا می‌شود. هرچند بسیاری از کشورهای دنیا از این رویه عبور کرده‌اند و شیوه‌های به‌روزتر و کاراتر را در پیش گرفته‌اند، اما دولت روسیه هنوز به این شیوه پایبند است که شاید دلیل آن قرار داشتن در اوایل دوران گذار از نظام متمرکز به نظام بازار باشد.



۳-۴. چین

در سه دهه گذشته، آموزش عالی در چین تحت تأثیر رشد اقتصادی این کشور قرار گرفته و رشد چشمگیری را تجربه کرده است. این تغییرات نه تنها در خصوص تعداد دانشجویانی که در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی ثبت‌نام می‌کنند، بلکه در سطح کیفیت آموزش عالی این کشور نیز نمایان است.

یکی از عوامل کلیدی پیش‌ران در این زمینه، تأمین مالی مناسب آموزش عالی بوده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد که دولت چین سرمایه‌گذاری قابل توجهی را در این حوزه انجام داده و توانسته است زمینه توسعه و بهبود آموزش عالی در کشور خود را فراهم سازد. تأمین مالی مناسب و ارتقای استانداردها، رشد و پیشرفت در آموزش عالی چین را از سه دهه گذشته تاکنون تضمین کرده است.

۱-۴-۳. نقش دولت در توسعه آموزش عالی

دولت چین با تأمین منابع مالی و ایجاد شرایط مورد نیاز برای ارائه خدمات به مردم، نقش مهمی در توسعه آموزش عالی در طول سه دهه گذشته ایفا کرده است. دولت به‌عنوان یک همکار راهبردی در توسعه آموزش عالی حضور داشته و با ارائه تسهیلات مالی و سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه به توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی کمک بزرگی کرده است. همچنین، دولت سیاست‌های مؤثر و تحقیقات آموزشی را ارائه داده و در ارتقای کمیّت آموزش و پژوهش در حوزه‌های مختلف نقش بسزایی ایفا می‌کند. نقش

زیر تأثیر فشارهای مالی شکل می‌گیرد. قانون اساسی سال ۱۹۹۳ تصریح می‌کند که حق آموزش عالی بدون شهریه مبتنی بر دو شرط است: آموزش عالی برای نخستین بار تجربه شده باشد، و دیگر اینکه پذیرش با موفقیت در آزمون ورودی رقابتی انجام شود [۳۲].

هر شخص در روسیه برحسب علاقه خود برای ورود به یک دانشگاه اعلام آمادگی می‌کند، چنانچه مایل به استفاده از حمایت دولتی و تحصیل رایگان باشد، در آزمون ورودی دانشگاه مذکور برای رشته مورد نظر با سایرین به رقابت می‌پردازد و با کسب نمره قبولی، به‌صورت رایگان تحصیلات خود را آغاز کرده و ماهیانه مبلغ ۱۰۰۰ روبل برای کارشناسی و کارشناسی ارشد و ۱۵۰۰ روبل برای دوره دکتری از دولت دریافت می‌کند. چنانچه دانشجو نمره قبولی نیابد، با هزینه شخصی می‌تواند به تحصیل بپردازد که متناسب با رشته تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل متفاوت است. معمولاً اخذ بورسیه تحصیلی در کشور روسیه به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته اول دانشجویانی که از همان ابتدا می‌توانند این بورسیه را دریافت کنند، ولی مقاطع و رشته‌های این نوع بورسیه محدود است و شامل همه رشته‌ها و مقاطع نمی‌شود، اما دسته دوم شامل دانشجویانی است که حداقل دو نیم‌سال را در دانشگاه‌های روسیه می‌گذرانند و بعد از گذراندن تعدادی از واحدها و همچنین بالا بودن معدل می‌توانند از این کمک‌هزینه استفاده کنند [۳۳].

با بررسی سیاست‌های دولت روسیه، می‌توان مشخصات تأمین مالی آموزش عالی را در چند ویژگی برشمرد:

■ حرکت به سوی تجاری‌سازی و تقویت رقابت‌پذیری در آموزش عالی. این تحول واکنشی بود به سال‌های سیطره نظام اقتصادی برنامه‌ریزی متمرکز و دولتی که مانع از شکل‌گیری بازار و ایجاد رقابت در آن شده بود. ناکارایی کارکرد نظام اقتصادی سابق ایجاد می‌کرد که دولت بسترسازی برای تشویق به رقابت بین دانشگاه‌ها بر سر جذب منابع مالی را در اولویت برنامه‌ها قرار دهد.

■ حمایت از تأسیس دانشگاه‌های خصوصی. بازاری‌سازی و رقابتی شدن آموزش عالی بدون امکان فعالیت مؤسسات آموزش عالی خصوصی تقریباً بی‌معناست. به این منظور، دولت تلاش کرد تا از طریق تأسیس دانشگاه‌های خصوصی، از یک سو بار مالی آموزش عالی را از عهده خود بکاهد و از سوی دیگر، علاوه بر بهبود کارایی در بازار آموزش عالی، صرفه‌جویی مالی خود را تحقق بخشد.

■ بودجه فدرال همچنان منبع اصلی تأمین مالی دانشگاه‌ها را تشکیل می‌دهد. شکل‌گیری دانشگاه‌های خصوصی و حاکم شدن جو رقابت در آموزش عالی به معنای قطع کمک‌های مالی دولت نیست، بلکه معمولاً دولت‌ها از جمله در روسیه در طول زمان و



شده است. دولت در کنار اصلاحات نهادی، تأسیس و گسترش مؤسسات آموزش عالی را تشویق کرد و هزینه‌های عمومی را به میزان قابل توجهی افزایش داد. تنها بین سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۳، هزینه‌های دولت برای آموزش از کل هزینه‌های دولت سالیانه به میزان یک درصد افزایش یافت. علاوه بر این تلاش‌های کلی، دولت چین برنامه‌های بودجه ویژه‌ای را آغاز کرد که هدف آن ارائه حمایت مالی از مؤسسات منتخب بر مبنای رقابتی بود و در نتیجه اصلاحات و نوآوری را تشویق می‌کرد. شناخته شده‌ترین پروژه موسوم به «پروژه ۲۱۱»^۱ بود که در سال ۱۹۹۵ آغاز شد و توسعه کلی ۱۱۶ دانشگاه منتخب را ترویج کرد و «پروژه ۹۸۵»^۲ که در سال ۱۹۹۸ آغاز شد و در ایجاد تعدادی از دانشگاه‌های درجه یک تلاش کرد که در ابتدا شامل ۹ و بعداً ۳۹ مؤسسه می‌شد [۳۴].

۲-۴-۳. سهم مخارج آموزش عالی دولت

با اینکه دولت چین مبالغ زیادی را در آموزش هزینه می‌کند، اما به علت حجم بالای اقتصاد این کشور سهم مخارج آموزش عالی از تولید ناخالص داخلی در مقایسه با سایر کشورهای مورد مطالعه چندان قابل توجه نیست و حتی به یک درصد هم نمی‌رسد. نمودار ۵ سهم مخارج آموزشی دولت در دو سطح آموزش عالی و قبل از آن را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که سهم آموزش عالی در یک دوره پنج‌ساله ثابت مانده است، اما برعکس، سهم آموزش عمومی از مخارج آموزشی دولت روند افزایشی داشته است.

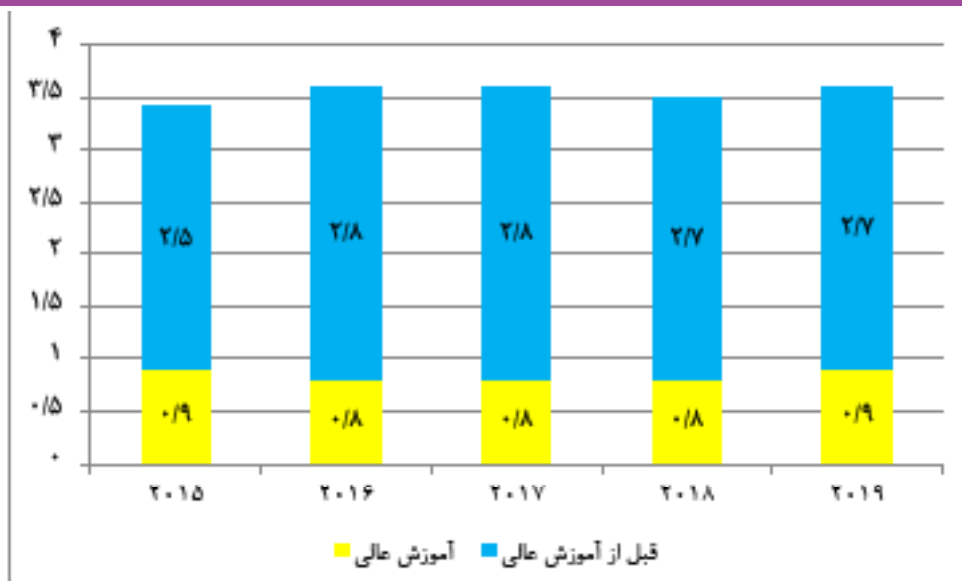
دولت به‌عنوان یک نهاد ارتباطی و حمایتی باعث شده تا آموزش عالی چین در دهه‌های اخیر پیشرفت قابل توجهی را تجربه کند. نقش دیگری که دولت چین در توسعه آموزش عالی دارد، توجه به کیفیت و استانداردهای بین‌المللی است. با توجه به روند فراگیری آموزش عالی در چین، دولت تلاش کرده است تا با ارزیابی و اعمال استانداردهای بین‌المللی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی خود، عملکرد و کیفیت آموزش را تضمین کند. دولت چین همچنین تلاش کرده است که برنامه‌هایی را برای تحقق اهداف مشخص و راهبردهای آینده‌نگرانه در حوزه آموزش عالی داشته باشد. نقش دولت در چین از این منظر بسیار مهم است، زیرا با تدوین سیاست‌های آموزش عالی و تعیین روش‌های اجرایی، اطمینان می‌یابد که آموزش عالی در این کشور از توسعه مطلوبی برخوردار باشد.

تغییرات سیاسی همچنین منجر به تحولات نظام آموزش عالی چین شده است. در دهه ۱۹۸۰، توسعه آموزش عالی در چین به سمت یک نظام مبتنی بر دولت مرجع برای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، به جای ساز و کارهای مبتنی بر بازار، گام برداشت. دولت چین نظارت مستقیم بر دانشگاه‌های دولتی را افزایش داد و تمرکز به تصمیم‌گیری در امور آموزش عالی را تقویت کرد. با این حال، در دهه ۱۹۹۰، چین شروع به بازآفرینی در آموزش عالی نمود و قوانین جدیدی را برای تشکیل و اداره دانشگاه‌های خصوصی و ایجاد سازمان‌های علمی غیردولتی اجرا کرد. تغییر دولت‌ها در کشور چین نیز باعث افزایش همکاری بین‌المللی در آموزش عالی

۱. پروژه ۲۱۱ به منظور ارتقای استانداردهای تحقیقاتی در دانشگاه‌های برتر چین طراحی شده است. مؤسساتی که به یک استاندارد خاص می‌رسند با افزایش قابل توجه بودجه پاداش می‌گیرند. تعداد ۱۱۲ مؤسسه آموزش عالی مرتبط با پروژه ۲۱۱ وجود داشته است.

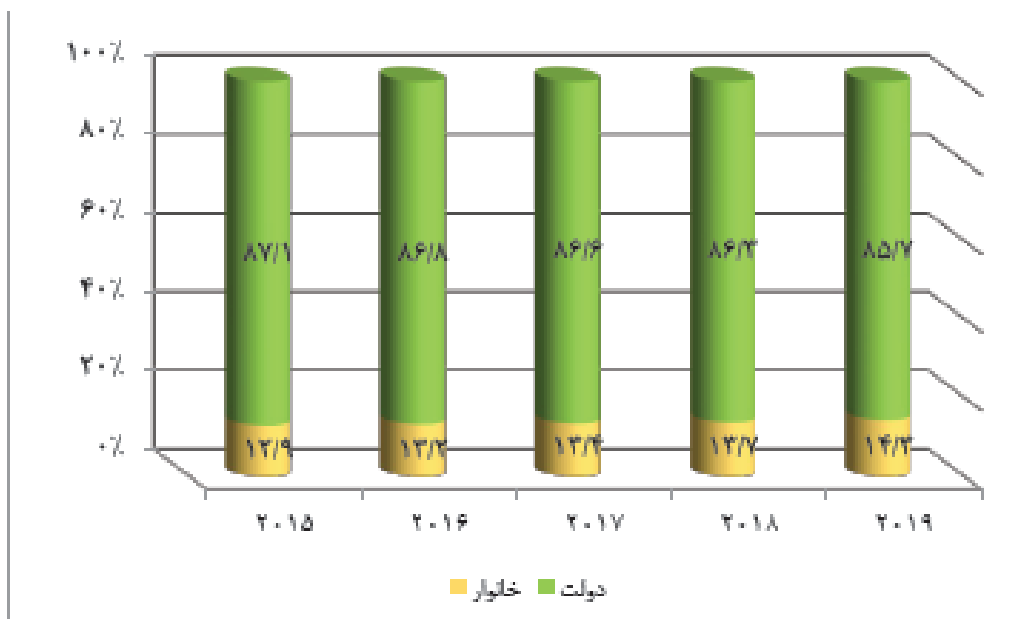
۲. پروژه ۹۸۵ سه سال بعد از پروژه ۲۱۱ ایجاد شد و از یک استراتژی مشابه استفاده می‌کند، اگرچه فقط ۳۹ دانشگاه در نتیجه این پروژه حمایت مالی دریافت کرده‌اند و در سال ۲۰۱۱ اعلام شد که هیچ دانشگاه جدیدی قادر به عضویت در این گروه انحصاری نخواهد بود. ابتکار عمل جدید برنامه دانشگاه درجه یک بود که هدف آن ایجاد گروهی از دانشگاه‌های نخبه‌چینی و بخش‌های دانشگاهی مجزا از دانشگاه‌ها و رشته‌های کلاس جهانی تا پایان سال ۲۰۵۰ است. این فهرست شامل ۴۲ مؤسسه در سراسر کشور است.

نمودار ۵. مخارج آموزشی دولت چین به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی



مأخذ: [۳۱].

نمودار ۶. سهم مخارج آموزشی دولت و خانوار در چین



مأخذ: همان.

است که آموزش عالی بخش مسلط این هزینه‌ها را تشکیل می‌دهد. در سال ۲۰۱۹، ۴۰ درصد مخارج آموزشی خانوارها به تنهایی به آموزش عالی اختصاص یافت که اختلاف زیادی با سایر سطوح آموزشی دارد [۳۵]. این موضوع نیز مشابه با الگوهای تأمین مالی در کشورهای توسعه یافته است که دولت‌ها سعی می‌کنند در آموزش عالی تا آنجا که ممکن است خانوارها (دانشجویان) را به

به علاوه، تقسیم مخارج آموزشی بین دولت و خانوارها بیان گر سهم عمده دولت در تأمین مالی آموزش است. کمتر از ۱۵ درصد مخارج آموزشی را خانوارها متحمل می‌شوند (نمودار ۶)، اما شاهد هستیم که بار مالی بر دوش خانوارها در طول زمان در حال افزایش است که این موضوع نیز روندی مشابه با بیشتر کشورهای توسعه یافته را به نمایش می‌گذارد. اما مخارج آموزشی خانوارها حاکی از این



مشارکت در تأمین مالی وارد کنند.

۳-۴-۳. تخصیص بودجه و روش‌های تأمین مالی آموزش

عالی در چین

برای تعیین بودجه آموزش عالی از یک فرمول سهمیه جامع استفاده می‌شود که نیازهای مالی را با توجه به میانگین هزینه هر دانشجو و تعداد کل دانشجویان در سال محاسبه می‌کند. این سازوکار بر دو ملاحظه استوار است. نخست، میانگین سالانه هزینه هر دانشجو در سال تحصیلی قبل، مبنایی را تشکیل می‌دهد تا نسبت میانگین هزینه هر دانشجو برای سال بعد افزایش یابد. دوم، این سازوکار منابع مالی و ظرفیت دولت‌های ایالتی را در نظر می‌گیرد. بودجه آموزش عالی همچنان سازوکار دیگری به نام یارانه ویژه دارد. در این یارانه، نیازهای مؤسسات آموزش عالی در نظر گرفته می‌شود. این یارانه از قبل در بودجه سالانه آموزش ملی با عنوان «نظام پروژه محور» تخصیص داده می‌شود. مؤسسات می‌توانند این بودجه را از طریق دولت مرکزی و ایالتی و تأیید در پروژه بودجه ویژه برنامه پنج‌ساله یا پروژه بودجه ویژه برنامه سالانه درخواست دهند [۳۵].

سازوکار تأمین مالی مؤسسات آموزش عالی در چین یک نظام دوگانه است که معمولاً به صورت «سهمیه جامع + کمک‌های بلاعوض اختصاصی» تعریف می‌شود. سهمیه جامع برای بررسی نیازهای بودجه‌ای براساس هزینه متوسط آموزش هر دانشجو و تعداد دانشجویان مؤسسات در یک سال معین استفاده می‌شود. هدف اصلی سهمیه جامع که نخستین بار در سال ۱۹۸۶ ایجاد شد، تشویق مؤسسات آموزش عالی به پرورش کارکنان با مهارت بیشتر است. کمک‌های بلاعوض اختصاصی یارانه‌هایی هستند که برای نیازهای خاص مؤسسات آموزش عالی را در نظر گرفته می‌شوند. دولت مرکزی و دولت‌های استانی بودجه ویژه‌ای را برای یک برنامه سالانه و یک برنامه پنج‌ساله تعیین می‌کنند. مؤسسات می‌توانند برای کمک‌های بلاعوض اختصاصی در این بودجه‌ها از طریق یک نظام مبتنی بر پروژه درخواست دهند و با دولت‌ها مشورت کنند. سپس وزارتخانه آموزش مربوط به دولت‌های ایالتی تخصیص بودجه را بررسی و تصویب می‌کنند [۳۶].

سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی برای تأمین مالی آموزش عالی در چین، نقش مهمی در توسعه و پیشرفت آموزش عالی این کشور داشته است. این کشور در طول سه دهه گذشته، تحولات قابل توجهی را در روش‌های تأمین مالی آموزش عالی تجربه کرده است. از آنجاکه دولت چین از اهمیت بالای آموزش عالی برای توسعه پیشرفت کشور مطلع است، تأمین منابع مالی برای آموزش

عالی همواره در اولویت سیاست‌های دولت از روش‌های مختلف قرار داشته است. دولت به منظور ایجاد یک نظام تأمین مالی پایدار برای آموزش عالی، اقداماتی انجام داده است که شامل تأمین بودجه از طریق بنیادها و سازمان‌های دولتی، جذب سرمایه خارجی، تأمین مالی از طریق بانک‌های تجاری و صندوق‌های قرض الحسنه می‌شود. در ذیل به منابع مختلف تأمین مالی آموزش عالی کشور چین اشاره می‌شود.

(الف) سرمایه‌گذاری و هزینه‌های دولتی: یکی از روش‌های تأمین مالی آموزش عالی در کشور چین، «سرمایه‌گذاری» دولت است. دولت چین همواره به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران در حوزه آموزش عالی شناخته شده است. در سال ۲۰۱۹، دولت چین حدود ۲۲۰ میلیارد دلار به‌عنوان بودجه برای آموزش عالی خود اختصاص داده است. دولت چین تأمین مالی برخی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی عالی را به‌طور مستقیم به‌صورت هزینه‌های عمومی یا یارانه‌ها برای دانشجویان در قالب طرح‌های دولتی انجام می‌دهد. در این روش تأمین مالی، دولت به‌عنوان اصلی‌ترین منبع تأمین مالی آموزش عالی عمل می‌کند. با این رویکرد، سرمایه‌گذاری بزرگی از سوی دولت برای تأمین منابع مالی در زمینه ساخت و توسعه دانشگاه‌ها، برگزاری برنامه‌های تحصیلی و تحقیقاتی، تجهیز و امکانات آموزشی صورت گرفته است. بدون اغراق رشد سریع و پویای آموزش عالی چین در چند دهه گذشته به سبب نقش استراتژیک دولت در تأمین منابع مالی و سرمایه‌گذاری مداوم است.

(ب) شهریه: دانشجویان در چین به‌صورت عمده باید شهریه بپردازند. این مقدار بسته به سطح تحصیلات، دانشگاه، رشته تحصیلی، نوع دانشجو (داخلی یا بین‌المللی) و منطقه محل استقرار دانشگاه متفاوت است. به‌عنوان مثال، از مجموع ۴۹۲۱۸۵ دانشجوی بین‌المللی در چین در سال ۲۰۱۸، تعداد ۴۲۹۱۴۴ دانشجو خودشان برای تحصیل هزینه کردند و ۶۳۰۴۱ نفر از دولت چین بورسیه تحصیلی دریافت کرده‌اند [۳۷].

(ج) وام و کمک‌های مالی: دولت چین و بانک‌های تجاری، وام‌ها و کمک‌های مالی مختلفی را در اختیار دانشجویان قرار می‌دهند. این وام‌ها و کمک‌های مالی معمولاً به‌صورت هزینه‌های تحصیلی و هزینه‌های زندگی برای دانشجویان در نظر گرفته می‌شوند. البته، هزینه وام‌ها و شرایط بازپرداخت آنها متفاوت است. در طول دهه گذشته سقف وام به‌ازای هر نفر به ۱۲۰۰۰ یوان (۱۶۸۶ دلار) در سال برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و ۱۶۰۰۰ یوان (۲۲۴۹ دلار) در سال برای دانشجویان کارشناسی ارشد افزایش یافته است.^۱

1. <https://www.panda-admission.com/blog/66/>.

می‌کنند. این درآمدها شامل اجاره املاک و تجهیزات، همکاری در امور تجاری و سرمایه‌گذاری‌های مالی است.

۴-۳-۴. تأمین مالی دانشگاه‌ها و دانشکده‌های دولتی

اصولاً بخش اعظم بودجه مربوط به آموزش عالی در کشور چین از طریق دولت مرکزی تأمین می‌شود. در زمان تأسیس جمهوری خلق چین، پرداخت شهریه برای تحصیل در مراکز آموزش عالی این کشور آزاد بود و هر فردی که از توانایی مالی برخوردار بوده و نیز تمایل داشته است، شهریه دانشگاه را پرداخت می‌کرد و سایر افراد به‌طور رایگان از آموزش عالی برخوردار می‌شدند. اما در سال ۱۹۸۵ و با تداوم سیاست اصلاح طلبانه نظام آموزشی، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تصویب کرد که دانشجویانی که در قالب برنامه‌های تحصیلی ملی قرار ندارند، باید هزینه تحصیل در مراکز آموزش عالی را بپردازند. در سندی دیگر در سال ۱۹۸۹ موسوم به تصمیمات و احکام ضروری شدن شهریه‌ها و تعیین میزان آن برای مؤسسات آموزش عالی، این موضوع قانونمند شد و در نهایت در سال ۱۹۹۳ و به دنبال اصلاح و توسعه نظام آموزشی چین مقرر شد که آموزش عالی از جمله آموزش‌های غیر اجباری است، بنابراین دانشجویانی که قصد ادامه تحصیل در آموزش عالی را دارند، باید خود شهریه‌های مربوط را بپردازند [۳۹]. این رویه حاکی از این است که نظام آموزش عالی چین به تدریج از حالت رایگان به سمت یک نظام تسهیم هزینه تغییر کرده است؛ به عبارت دیگر، از نظامی که در آن آموزش عالی توسط دولت تأمین مالی می‌شود به نظامی که در آن دانشجویان یا خانواده‌هایشان باید بخشی از هزینه‌ها را به‌دوش بکشند، تبدیل شده است [۴۰].

با وجود این، در حال حاضر دانشگاه‌ها و دانشکده‌های دولتی از طریق روش‌های ذکر شده در بالا کسب درآمد می‌کنند، اما چهار نوع درآمد به‌صورت خاص در تأمین مالی دانشگاه‌ها و دانشکده‌های دولتی اهمیت دارد [۴۱]:

- پرداخت سرانه از طریق دولت مرکزی یا استان در مورد سهمیه ثبت‌نام به‌ویژه در خصوص دانشجویان ممتاز،
- بودجه تکمیلی برای مؤسسات منتخب براساس ابتکار عمل ۹۸۵ و ۲۱۱،
- شهریه: برابر قیمت تعیین شده توسط دولت‌های محلی (به‌طور معمول حدود ۲۵ درصد هزینه‌های تخمین زده شده)،
- درآمد اضافی ایجاد شده توسط مؤسسات از پیمانکاری و سایر فعالیت‌ها.

با وجود این، برای تأمین منابع مالی بیشتر در آموزش عالی، چین نیاز به افزایش تأمین مالی از منابع غیر دولتی دارد. این موضوع

(د) **شهرک‌های صنعتی**: برخی دانشگاه‌ها در چین روابط شراکتی با صنعت و بخش خصوصی برقرار می‌کنند تا منابع مالی خود را تأمین کنند. این روابط شامل همکاری در پروژه‌های تحقیق و توسعه، ایجاد مراکز تحقیقاتی مشترک و حمایت مالی در زمینه اشتغال پس از فارغ‌التحصیلی است. وجوه تحقیقات علمی واگذار شده از سوی شرکت‌ها و سازمان‌ها به این مؤسسات آموزش عالی از ۳۹/۱۸ میلیارد یوان در سال ۲۰۱۲ به ۸۴/۷۵ میلیارد یوان در سال ۲۰۲۱ با نرخ رشد بیش از ۱۱۶ درصد افزایش یافته است [۳۸].

(ه) **همکاری‌های بین‌المللی و افزایش شهرت دانشگاه‌های چین**: طی سه دهه گذشته، کالج‌ها و دانشگاه‌های چین نقش فعالی در همکاری‌های بین‌المللی ایفا کرده‌اند. تقریباً ۴۰۰۰۰۰ شرکت‌کننده چینی در پروژه‌های تحقیقاتی علمی و فناوری بین‌المللی شرکت کرده‌اند، بیش از ۱/۷۴ میلیون نفر حضور در همایش‌های مختلف دانشگاهی بین‌المللی انجام شده و بیش از ۷۰ آزمایشگاه مشترک برای همکاری‌های بین‌المللی ساخته شده است. تعداد ثبت اختراع^۱ که کالج‌ها و دانشگاه‌ها به‌دست آورده‌اند از ۶۹۰۰۰ در سال ۲۰۱۲ به ۳۰۸۰۰۰ در سال ۲۰۲۱ افزایش یافت و میزان صدور مجوز ثبت اختراع از ۶۵/۱ درصد به ۸۳/۹ درصد افزایش یافت. در طول ۱۰ سال گذشته، تعداد قراردادهای واگذاری و مجوز اختراع از بیش از ۱۷۰۰۰ مجوز فراتر رفته و مزایای اقتصادی تجاری‌سازی ثبت اختراع از ۸۲۰ میلیون یوان به ۸/۸۹ میلیارد یوان رسیده و این یعنی نزدیک به ۱۰ برابر افزایش یافته است [۳۸].

(و) **سرمایه‌گذاری خارجی**: دانشگاه‌های چین با جذب سرمایه‌گذاران خارجی، به تأمین مالی آموزش عالی کمک می‌کنند. با توجه به گزارش سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، در سال ۲۰۱۹، سرمایه‌گذاری خارجی در آموزش عالی چین ۳/۲ میلیارد دلار بوده است. این سرمایه‌گذاری‌ها در شکل‌گیری دانشگاه‌های برتر و بهبود کیفیت آموزش عالی در کشور نقش بسزایی داشته است [۹].

(ز) **استفاده از فناوری**: یکی دیگر از روش‌های تأمین مالی آموزش عالی در کشور چین، استفاده از فناوری پیشرفته در ارائه خدمات آموزشی است. دانشگاه‌ها می‌توانند درآمد بسیار بیشتری را کسب کنند. بسیاری از دانشگاه‌های چین از سکوها (پلتفرم-های) برخط برای ارائه دوره‌های آموزشی و کسب درآمد استفاده می‌کنند [۹].

(ح) **درآمدهای از فعالیت‌های جنبی**: برخی دانشگاه‌ها در چین با مدیریت دارایی‌ها و منابع‌شان، درآمدهای قابل توجهی کسب

1.. Patent



مالی، هدایت منابع مالی غیردولتی به سمت آموزش عالی بوده است. در این راستا، دولت چین به خوبی از ظرفیت بانک‌های تجاری استفاده کرده است تا از این طریق هم یک بخش مهم مالی اقتصاد را به عرصه آموزش عالی وارد کند، و هم بر مسئولیت خود در این زمینه نیفزاید.

■ اتخاذ سیاست درب‌های باز در تجارت برای تسهیل ورود سرمایه‌گذاران خارجی به آموزش عالی چین. این یک برنامه جامع دولت چین بوده است که کل اقتصاد از جمله آموزش عالی را برای سرمایه‌گذاری خارجی جذاب سازد. این خط‌مشی به خوبی در چین نتیجه داده و دانشگاه‌ها توانسته‌اند از منابع مالی بین‌المللی نیز بهره‌مند شوند و از اتکای خود به بودجه دولت بکاهند.

■ حرکت محسوس به سمت اخذ شهریه از دانشجویان. توجه به مشارکت خانوارها در تأمین مالی آموزش عالی، تقریباً به یک سیاست مشترک دولت‌ها در بیشتر کشورهای دنیا تبدیل شده است. البته، به این سیاست باید به عنوان بخشی از مجموعه اقدامات هم‌راستا نگریست، یعنی در کنار تلاش برای رقابتی شدن آموزش عالی، استقلال علمی و مالی دانشگاه‌ها، مشارکت بخش خصوصی در تأمین مالی و

منابع مالی از بخش خصوصی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری عمومی و همکاری با صنعت را شامل می‌شود. توسعه منابع غیردولتی به عنوان یک راهکار مهم برای تأمین مالی آموزش عالی در کشور چین مطرح شده است، هر چند در این زمینه استقبال بخش خصوصی نیز تا اندازه‌ای وجود دارد، اما افزایش نیاز به این منبع یکی از چالش‌های تأمین مالی آموزش عالی این کشور است [۴۲]. در انتها، می‌توان ساختار مالیه آموزش عالی با محوریت دولت در چین را به صورت زیر خلاصه کرد:

■ برنامه‌های بودجه‌ای ویژه با هدف حمایت مالی از مؤسسات آموزش عالی برگزیده بر مبنای رقابت. چین نیز مشابه با روسیه برای رقابتی کردن آموزش عالی هدف‌گذاری کرده است و بودجه‌های خاصی را به مثابه پاداش برای دانشگاه‌هایی که عملکرد بهتری دارند، اختصاص می‌دهد.

■ تأمین بودجه از طریق بنیادها و سازمان‌های دولتی، جذب سرمایه خارجی، تأمین مالی از طریق بانک‌های تجاری و حساب‌های پس‌انداز بدون بهره به منظور ایجاد یک نظام تأمین مالی پایدار برای آموزش عالی.

■ استفاده از بانک‌های تجاری برای اعطای انواع وام‌ها و کمک‌های مالی مختلف به دانشجویان. یک راهکار موفقیت‌آمیز در تأمین

۴. جمع‌بندی



از این رو، دولت در تأمین این نوع مخارج در کنار ارائه خدمات اجتماعی دیگر با تنگنای خاصی روبه‌رو نیست و لذا نمی‌توان شرایط را با کشورهای توسعه‌یافته مشابه دانست. همچنین، شاهد توجه به نقش وقف در تأمین مالی آموزش عالی عربستان هستیم. شاید فعال بودن این مجرا در یک کشور مسلمان کاملاً مورد انتظار باشد، چیزی که در سایر کشورهای بررسی شده چندان برجسته نیست. دولت عربستان منابع وقفی را بیشتر به سمت بورسیه‌های تحصیلی هدایت کرده است تا از این طریق ارتباط مستقیمی بین واقفان و دریافت‌کنندگان وجوه وقفی (دانشجویان) ایجاد کند و کارایی این شیوه تأمین مالی افزایش یابد.

بر خلاف عربستان که سهم زیاد دولت در تأمین مالی آموزش عالی را همچنان حفظ کرده است، دولت ترکیه در دو دهه گذشته به میزان چشمگیری از نقش خود در این عرصه کاسته و زمینه را برای مشارکت بخش خصوصی مهیا ساخته است، به طوری که سهم بخش خصوصی در ترکیه از آلمان و فنلاند بیشتر است. می‌توان یک دلیل عمده برای تغییر رویه در تأمین مالی آموزش عالی ترکیه

بررسی نظام تأمین مالی آموزش عالی و نقش دولت در این زمینه در چهار کشور در حال توسعه بیان‌گر این است که برخلاف کشورهای توسعه‌یافته، دولت نقش بسیار مسلط‌تری بر حمایت از آموزش عالی دارد. شاید یک دلیل عمده برای این تمایز مشهود، وجود اقتصاد عمدتاً دولتی در کشورهای مورد بررسی باشد. بی‌شک، زمانی که نگرش دولتی بر اقتصاد حاکم باشد، مدیریت آموزش عالی از جمله در زمینه تأمین مالی از این نگرش تأثیر می‌پذیرد و لذا شاهد سهم بالای سرمایه‌گذاری دولت خواهیم بود. بهترین نمونه در اثبات این ادعا، عربستان است. این کشور از بالاترین نرخ‌های سرمایه‌گذاری دولتی در آموزش عالی را در جهان دارد. با وجود این، نمی‌توان لزوماً این ویژگی را یک نقطه ضعف تلقی کرد با این پشتوانه که در جهان توسعه‌یافته چنین شرایطی حاکم نیست و برای توسعه و پیشرفت آموزش عالی باید حتماً حامی مالی خصوصی را برجسته ساخت. دلیل این است که عربستان و هر کشور دیگری مانند آن، از منابع عظیم انرژی برخوردار است که دست دولت را برای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی باز می‌گذارد.

هنگامی را در این بخش هزینه می‌کند. از این رو، نباید تصور کنیم که دولت چین سیاست بازاری‌سازی آموزش عالی را در پیش گرفته است (برخلاف روسیه و تا حدودی ترکیه) بلکه نقش دولت در تأمین مالی آموزش عالی هنوز بسیار قابل توجه است. به علاوه، ایجاد مشوق‌ها یکی دیگر از خط‌مشی‌های دولت برای برخورداری دانشگاه‌ها از منابع مالی رقابتی بوده است.

در هر حال الگوی تأمین مالی بخش آموزش عالی در کشورهای نمونه بررسی، نتایج و پیامدهایی در پی داشته است که می‌توان آن را در جدول (۳) مشاهده کرد. طبق گزارش استنادات علمی جهانی، چین، روسیه، ترکیه و عربستان سعودی در رتبه‌های بالا از لحاظ استنادات علمی قرار دارند، همچنین در شاخص جهانی نوآوری به‌عنوان یکی دیگر از خروجی‌های نظام علم و فناوری در این کشورها، نشان می‌دهد که کشورهای منتخب در وضعیت نسبتاً خوبی هستند. همچنین تعداد دانشگاه‌های این کشورها در رتبه‌بندی تایمز که اتفاقاً تأکید ویژه‌ای بر درآمدزایی دانشگاه‌ها دارد، قابل تأمل است. به‌خصوص کشور چین که در بین کشورهای مورد بررسی با حضور ۳۰ دانشگاه در رتبه‌های زیر ۴۰۰، جایگاه به‌مراتب بالاتری نسبت به سه کشور دیگر دارد.

گذشته از ابعاد علمی نظام تأمین مالی در پیش گرفته شده در این کشورها، تحول شگرفی نیز در ابعاد مهارتی برای دانشجویان شکل گرفته است. گزارش رقابت‌پذیری جهانی (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که در بین کشورهای گروه (G۲۰)، عربستان سعودی، چین و ترکیه به‌ترتیب رتبه‌های اول، دوم و چهارم را در اختیار دارند، هرچند وضعیت روسیه از این جنبه مناسب نبوده و رشد منفی را تجربه کرده است [۴۳].

را ملحق شدن این کشور به سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) دانست. طبیعی است که همراهی با یک مجموعه از کشورهای صنعتی نیازمند هماهنگی سیاستی در حوزه اقتصاد و زیربخش‌های آن است. با توجه به سیطره منطق بازار در دنیای صنعتی و قوی بودن نگرش دولت کوچک، کاهش سهم دولت در تأمین مالی آموزش عالی ترکیه غیرمنتظره نیست. با این حال، سهم دولت در ترکیه هنوز فاصله زیادی با کشورهای پیش‌رو در آموزش عالی دارد، اما روند به‌گونه‌ای است که انتظار می‌رود در آینده باز هم از سهم دولت کاسته شود.

تحولات سیاسی و اقتصادی روسیه پیامدهای قابل توجهی برای آموزش عالی این کشور داشته است. شاید بتوان روسیه را یکی از شاخص‌ترین تجارب جهانی در تغییر مسیر حکمرانی آموزش عالی از یک نظام بسته و متمرکز به‌سوی نظامی تقریباً بازاری قلمداد کرد. دولت روسیه تجاری‌سازی آموزش عالی را با هدف ارتقای رقابت سرلوحه سیاست‌های خود قرار داد. برای این منظور، بخش اعظم بودجه دانشگاه‌ها توسط دولت تأمین می‌شود، با این ویژگی که میزان بودجه دریافتی دانشگاه‌ها از تباط مستقیمی با نتایج فعالیت آنها دارد. بنابراین، شاهد تأمین مالی دولتی و در عین حال رقابتی در روسیه هستیم، به‌طوری‌که این رویه را در سه کشور دیگر مورد بررسی کمتر مشاهده می‌کنیم.

برخلاف روسیه که تحولات در آن نتیجه تغییر نظام اقتصادی بود، تجربه چین نشان می‌دهد که توسعه آموزش عالی از الزامات تحول اقتصادی بوده است که به رشد اقتصادی دو رقمی در دهه‌های گذشته منجر شد. با این وصف، آموزش عالی یکی از راهبردی‌ترین حوزه‌های سرمایه‌گذاری دولت چین بوده است، به‌طوری‌که مبالغ

جدول ۳. جایگاه کشورهای نمونه از جنبه خروجی‌های نظام علم و فناوری

کشور	خروجی	استنادات		نوآوری		تعداد دانشگاه‌ها در رتبه‌بندی تایمز (رتبه زیر ۴۰۰) ^۱
		رتبه	تعداد	رتبه	امتیاز	
چین	۱۱۲۷۵۳۶	۱	۵۵/۳	۱۱	۳۰	
روسیه	۶۰۹۵۹	۱۲	۳۴/۳	۴۷	۳	
ترکیه	۷۳۴۶۵	۱۷	۳۸/۱	۳۷	۳	
عربستان سعودی	۱۰۴۹۲۹	۱۸	۳۳/۴	۵۱	۲	

مأخذ: [۴۴]، [۴۵]، [۴۶]

۱. انتخاب رتبه‌بندی تایمز به دلیل تأکید بر معیار درآمدهای دانشگاهی است که عمدتاً از محل فروش برونادهای علمی حاصل می‌شود.



بازارمحوری، این تغییر رویکرد کندتر انجام می‌شود.

■ جدا از ارائه مشوق‌های مالی، دولت‌ها از طریق مقررات گذاری به دنبال تسهیل فعالیت بخش خصوصی در آموزش عالی هستند. نکته حائز اهمیت این است که نقش دولت‌ها لزوماً در بعد مالی خلاصه نمی‌شود بلکه اصلاح مقررات موجود در جهت تسهیل اقدامات مستقل دانشگاه‌ها در زمینه تأمین مالی و گشایش راه‌های نو، برای نمونه گسترش فعالیت‌های بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی، رانیز شامل می‌شود.

■ شهریه و درعین حال کمک‌های مالی مستقیم در قالب بورسیه به دانشجویان، مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است. یک چرخش محرز در رویکرد دولت‌ها حتی در کشورهای در حال توسعه این است که در حال انتقال بخش بیشتری از هزینه‌های تحصیل در دانشگاه به خانوارها هستند. البته، به موازات چنین اقداماتی کمک‌های مالی دانشجویی نیز پررنگ‌تر شده است.

در مجموع، بررسی روند تحولات تأمین مالی آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه حاکی از این است که:

■ دولت‌ها در راستای ایجاد فضای رقابتی در آموزش عالی برای کسب منابع مالی و افزایش مشارکت بخش خصوصی سیاست‌هایی را اتخاذ کرده‌اند. گسترش ظرفیت‌های آموزش عالی در درآمدزایی که خود پیامد رشد بین‌المللی شدن آموزش عالی، اشاعه اقتصاد دانش بنیان و جهانی شدن اقتصاد است، ایجاب می‌کند که تحولی در مالیه آموزش عالی و شیوه‌های آن اتفاق افتد و بازیگران خصوصی برای ورود به این عرصه تشویق شوند.

■ کاهش سهم دولت در طول زمان در کشورهای در حال توسعه روندی مشهود است، هرچند سرعت آن کندتر از کشورهای توسعه یافته است. لزوم اجتناب از اتکای محض به منابع دولتی در کشورهای در حال توسعه نیز درک شده است، اما به دلیل عدم بسترسازی لازم برای مشارکت بخش خصوصی به‌ویژه خانوارها و

منابع و مآخذ

- [1] World Bank, World Development Indicators (WDI), <https://www.worldbank.org>.
- [2] Kanjo, K.A., Haqhani, M., Abolqasmi, M., Ghahramani, M. & Nazari Hashemi, S.R. (2022). A Comparative Study of Higher Education Development in Afghanistan, Iran and Turkey, *Iranian Journal of Comparative Education*, 5(4): 2164-2182.
- [3] شفیع‌ی چافی، مسعود (۱۴۰۱). نگاهی به تاریخچه نظام آموزش عالی ترکیه، خبر آنلاین: <https://www.khabaronline.ir/news>
- [4] YOK, (2023). <https://www.yok.gov.tr/en>
- [5] بایرامی، سمانه و موسی پور، نعمت‌الله (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی سیاست‌های علمی کشورهای ترکیه و مالزی با تمرکز بر علوم انسانی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۷(۴): ۵۹-۸۷.
- [6] خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۶). معرفی نظام آموزش عالی ترکیه، <https://www.isna.ir/news>
- [7] The World Bank, <https://worldbank.org>.
- [8] OECD, (2006). *Education at a Glance 2006*, Paris: OECD Publishing.
- [9] OECD, (2019). *Education at a Glance 2019*, Paris: OECD Publishing.
- [۱۰] رسولی، امیرابراهیم (۱۴۰۱). توسعه و ثبات سیاسی (با نگاهی به ترکیه و مالزی در مقایسه با ایران)، چاپ اول، تهران: انتشارات علم استادان.
- [۱۱] صارمی، محمدرضا و سنایی، اردشیر (۱۳۹۷). جایگاه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در ثبات سیاسی ترکیه پس از ۲۰۰۲، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۱(۴۲): ۱۳۳-۱۵۵.
- [12] Tosun, H. (2020). Financial Resources of States Universities in Turkey. *International Conference on New Horizons in Education*, Nicosia.
- [13] El-Rashidi, Y. (2007). Saudi Arabia Continues Expanding Higher Education, *Chronicle of Higher Education*, 53(24).
- [14] Mutahhiri, S. (2022). Saudi Ministry of Education General Supervisors' Attitudes towards Public School Finance: A Descriptive Study. *The University of Toledo*.
- [۱۵] فرهیختگان: <http://fdn.ir43064/>
- [16] Al-Eisa, E. & Smith, L. (2013). Governance in Saudi Higher Education. Book Chapter in: Smith, L. & Abouammoh, A. (eds), *Higher Education in Saudi Arabia: Achievements, Challenges*

and Opportunities. Volume 40 of the series Higher Education Dynamics, pp. 27-35, Dordrecht: Springer.

[17] Altbach, P. G., Reisberg, L., & Rumbley, L. E. (2009). Trends in global higher education: Tracking an academic revolution. UNESCO World Conference on Higher Education, United Nations, Paris.

[18] GDPHE (General Department of Private Higher Education). (2011). Ministry of Higher Education. <http://www.mohe.gov.sa/en/studyinside/privateedu/Pages/Overview.aspx>. Accessed 7 Oct 2011

[19] Steier, F.A. (2003). The changing nexus: Tertiary education institutions, the market place and the state. *Higher Education Quarterly*, 57(2): 158–180.

[20] Al-Dali, W., Fnais, M. & Newbould, I. (2013). Private Higher Education in the Kingdom of Saudi Arabia: Reality, Challenges and Aspirations. Book Chapter in: Smith, L. & Abouammoh, A. (eds), *Higher Education in Saudi Arabia: Achievements, Challenges and Opportunities*. Volume 40 of the series Higher Education Dynamics, pp. 127-136, Dordrecht: Springer.

[21] European Funding Guide. <https://www.european-funding-guide.eu/scholarship/2385-king-abdallah-scholarship>.

[21] Bunaiyan, W. (2019). Preparing the Saudi Educational System to Serve the 2030 Vision: A Comparative Analysis Study. *Electronic Theses and Dissertations*, 1648. <https://digitalcommons.du.edu/etd/1648>

[22] Bunaiyan, W. (2019). Preparing the Saudi Educational System to Serve the 2030 Vision: A Comparative Analysis Study. *Electronic Theses and Dissertations*, 1648. <https://digitalcommons.du.edu/etd/1648>

[23] al-fanarmedia.org/2021/01/saudi-universities-take-steps-toward-financial-independence

[24] Ryan, M. (2023). Higher education in Saudi Arabia: challenges, opportunities, and future directions. *Research in Higher Education Journal*, 43: 1-15.

[25] Alashkevich, M. and Froumin, I. (2023). From State to Quasi-Market in Financing Higher Education: Russian Transition, in: *Financing of Higher Education Traditional Approaches and Innovative Strategies*, by: N. V. Varghese & J. Panigrahi (Editors), Singapore: Springer.

[26] Voloshin, A.V., Suslova, J.J., Batrayeva, E.A., Baguzova, L.V., & Ananeva, N.V. (2018). Current State, Tendencies and Peculiarities of Development in Higher Education: The Case of Russia, *European Research Studies Journal*, 26(4): 502- 511.

[27] Osipyan, L. (2023). The issues of higher education financing management in the Russian Federation, *Economics, Finance and Accounting*, 2(12): 141-151.

[28] Pereverzeva, Y.V. & Shamne, A.N. (2017). Financing higher education: experience of Russia and Germany, *Advances in Social Science, Education and Humanities Research (ASSEHR)*, 97: 221-225.

[29] Sudakova, A.E. & Dahel, D.M.S. (2023). Funding the Higher Education System: International Experience and Russian Practice, *R-Economy*, 9(2): 207–225.

[30] Panigrahi, J. (2018). Financing of Higher Education Institutions: Access to Funds and Issues of Equity. Book Chapter in: BenDavid-Hadar, I. (eds), *Education Finance, Equality, and Equity*, pp. 113-135, Springer.

[31] Bupalov, M.V. (2012). The new order of financing universities: The strongest will survive, *Taxes and Finance*, 2.

[32] Bain, O. (2000). Tuition policy issues in Russian higher education, *Australian Universities' Review*, 1: 36-44.

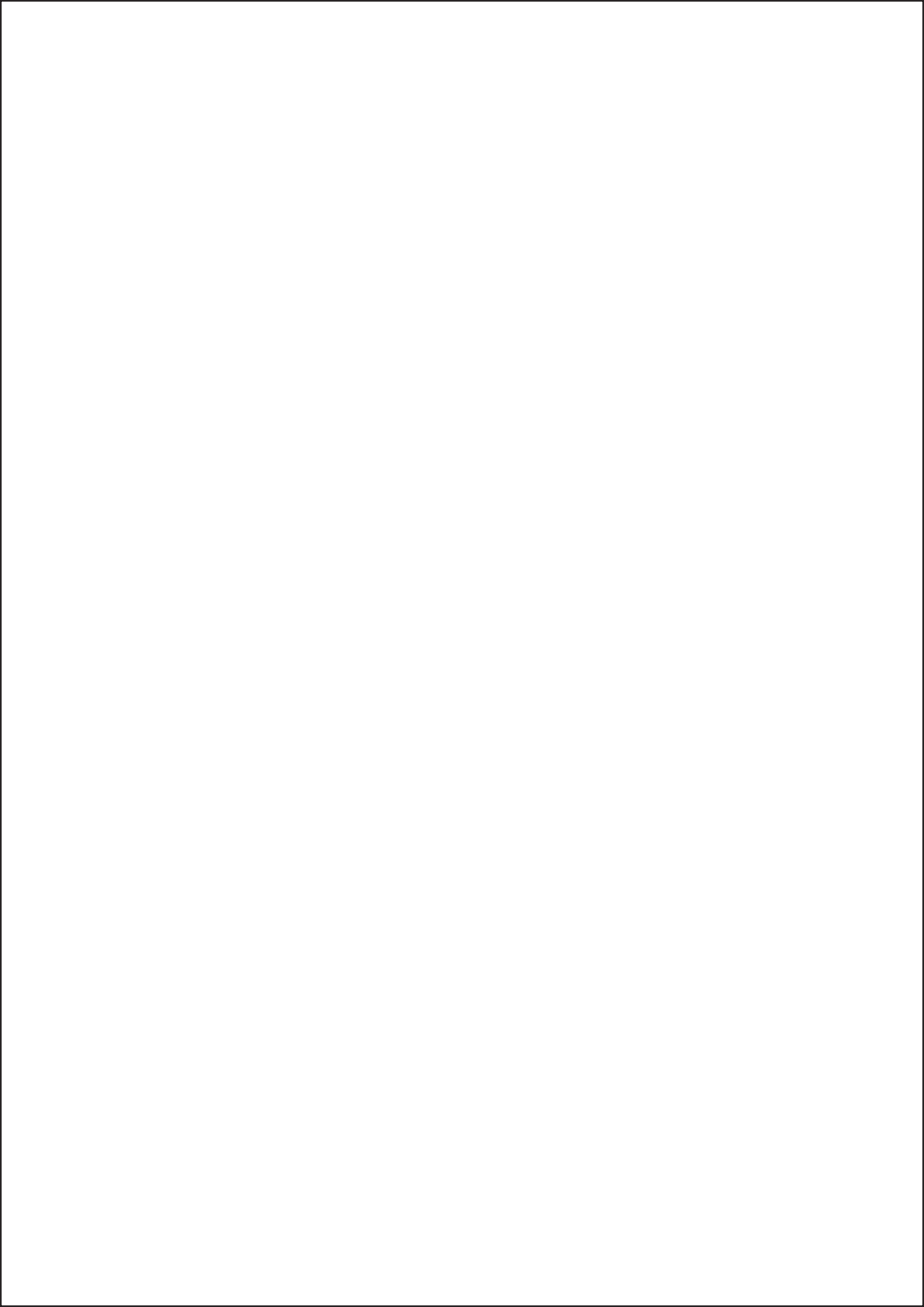
<https://www.studentvisa.ir>

[۳۳] آموزش عالی روسی:

[34] China Education Center, n. d. <https://www.chinaeducenter.com/en/cedu/ceduproject211>.

php.

- [35] Hu, Y. (2022). The Financing of Education in China. Paper commissioned for Costing and Financing SDG4-Education 2030 in the Asia-Pacific Region Project.
- [36] UNESCO (2022). Education Financing in Asia-Pacific. <http://creativecommons.org/licenses/by-sa/3.0/igo/>
- [37] Erudera, n. d. china-international-student-statistics, <https://erudera.com/statistics/china/china-international-student-statistics>
- [38] be.china (2022). Education in China over the Past 10 Year, [http:// be.china -embassy.gov.cn/eng/zt/kc/202209/t20220913_10765736.htm](http://be.china-embassy.gov.cn/eng/zt/kc/202209/t20220913_10765736.htm)
- [38] Gallagher, M., Hasan, A., Canning, M., Newby, H., Saner-Yiu, L. & Whitman, I. (2009). OECD Reviews of Tertiary Education: CHINA. https://www.csend.org/images/articles/files/20090502-OECD_Tertiary_Review_CHINA.pdf
- [۳۹] یوسفی، هادی (۱۴۰۱). بررسی وضعیت حکمرانی آموزش عالی ۱۰ کشور دنیا از نظر مؤلفه‌های ساختار اداری، تأمین مالی و ارزیابی و تضمین کیفیت و ارائه رویکردهای سیاستی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- [40] Fengliang, L. (2012). Financing Higher Education: Lessons from China. *Irish Educational Studies*, (31)2: 191-206.
- [41] Gallagher, M., Hasan, A., Canning, M., Newby, H., Saner-Yiu, L. & Whitman, I. (2009). OECD Reviews of Tertiary Education: CHINA. https://www.csend.org/images/articles/files/20090502-OECD_Tertiary_Review_CHINA.pdf
- [42] Xie, Y & Li, X. (2017). Financing higher education in China: Challenges and strategies, *Frontiers of Education in China*, 12(4): 567-577.
- [43] World Economic Forum (2020). The Global Competitiveness Report. www.weforum.org.
- [44] Scimagojr Country Rank (2020). <https://www.scimagojr.com/countryrank.php>
- [45] Global Innovation Index (2022). https://www.wipo.int/global_innovation_index/en/2022/
- [46] World University Rankings (2024). <https://www.timeshighereducation.com/world-university-rankings/2024/world-ranking>.



گزیده سیاستی

دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه برای تأمین مالی آموزش عالی علاوه بر حمایت مالی مستقیم از دانشگاه‌ها و دانشجویان بر اساس برخی از شاخص‌های کیفی و عملکردی، در زمینه قاعده‌گذاری جهت حرکت به سمت نظام بازار و تأمین مالی از بخش خصوصی نقش مهمی دارند. عمده‌ی روش‌های تأمین مالی از بخش خصوصی مشتمل بر تأمین بودجه از طریق بنیادها و سازمان‌های دولتی، جذب سرمایه خارجی، تأمین مالی از طریق بانک‌های تجاری، دریافت شهریه، جذب دانشجوی خارجی، فروش دارایی‌های فکری است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir